



# شورای بیکاران

درس پترزبورگ ۱۹۰۶

سرکئی مالی شف

دیجیتال کننده کتاب : نینا پویان

# شورای بیکاران

درس پترزبورگ ۱۹۰۶

سرکئی مالی شف

(کارگر بلشویک)

این جزوه تحت نظارت انجمن بلشویکهای قدیمی مسکو  
تهیه شده است .  
از این جزوه مجموعه ( سری ) " اعتصاب گشتی ماهگیری  
در ۱۹۰۵ " نوشته سرگئی مالی شفو " از انقلاب فوریه تا  
انقلاب نوامبر " نوشته ایلین ژنوسکی نیز به چاپ رسیده  
است .

انتشارات پرولتری

سانفرانسیسکو

۱۹۷۶

## فهرست

صفحه	
۶	یادداشتی برزندگینامه .....
۷-۱۱	بیکاری توده‌ای ۱۹۰۶ - ۱۹۰۵ و ایجاد شورا .....
۱۱-۱۳	گرسنگی در میان بیکاران افزایش می‌یابد .....
۱۴-۲۰	چگونه شورای بیکاران ایجاد شد .....
۲۰-۲۳	بیکاران به دومای شهرن پترزبورگ حمله می‌کنند ..
۲۳-۲۵	منشویکها علیه سازمانهای بیکاران پیکار می‌کنند ..
۲۵-۳۱	اولین تشکیلات بیکاران در دومای شهرن پترزبورگ .
۳۱-۳۳	میزگرد تابورژوازی .....
۳۳-۳۷	دومای شهر خرج اعتمادیات را می‌دهد .....
۳۷-۴۳	ایجاد کار همگانی به تاخیر می‌افتد .....
۴۳-۴۸	باز هم تاخیر .....
۴۸-۵۱	بیکاران برای سومین بار به دوما حمله می‌کنند .....
۵۱-۵۸	اتهام مسلح شدن به کارگران .....
۵۸-۶۱	ایجاد کار .....

شورای بیکاران در سن پترزبورگ در ۱۹۰۶  
نوشته: سرگئی مالی شف

سرگئی مالی شف پیش از اولین انقلاب روسیه به سازمان بلشویکی سن پترزبورگ پیوست. از آنجا که یکی از کارگران فعال آن بشمار میرفت، لذا مستمرا "تحت پیگرد دولت تزاری بود. در زندان، در تبعید، یا زندگی غیر علنی، همواره به کار حزبی خود ادامه داد. در انقلاب ۱۹۰۵، مالی شف در کاستروما که یک مرکز نساجی بود، برای تشکیلات بلشویکی کار میکرد. هنگامی که در ۱۹۰۵ اولین شوروی نمایندگان کارگران کاستروما ایجاد شد، مالی شف به ریاست آن برگزیده شد. زمانی که انقلاب ۱۹۰۵ سرکوب شد، او از کاستروما به سن پترزبورگ گریخت. این جزوه درباره فعالیت او در این دوران است.

محو کامل بیکاری در اتحاد شوروی، سرگئی مالی شف را واداشت که خاطرات مبارزه بیکاران تحت رژیم سرمایه-داری کهنه و منفور تزاری را بنویسد.

## یادداشتی برزندگینامه

سرگئی ( مالی شف ) در سال ۱۸۸۱ بدنیآ آمد . هنگامی که ۸ ساله بود پدرش دهقانی فقیر از اهالی استان یاروسلاو بود که او را به سن پترزبورگ آورده و به شاگردی به یک دکاندار سپرد . او وقتی بزرگ شد بقول معروف بچه خوبی از آب درآمد .

بهرحال هر چه سنش بیشتر می شد ، گرایش به کار در صنعت در او افزایش می یافت . سرانجام تصمیم گرفت کارگر کارخانه شود .

مالی شف ، پیش از اولین انقلاب روسیه به سازمان بلشویکی سن پترزبورگ پیوست ، و از آنجا که یکی از کارگران فعال آن سازمان بود ، مکرراً " تحت پیگرد دولت تزاری قرار می گرفت . در زندان ، در راهش به تبعیدگاه ، به هنگام فرار از تبعیدگاه ، یا در ایام زندگی مخفی همچنان به کار حزبی خویش ادامه داد .

در روزهای انقلاب ۱۹۰۵ ، مالی شف در کاستروما که یک مرکز نساجی بود با نام " پوزارنی " ( مامور آتش نشانی ) در سازمان بلشویکی کار می کرد .

در سال ۱۹۰۵ ، هنگامی که نخستین شورای نمایندگان کارگران کاستروما بوجود آمد ، مالی شف به ریاست آن برگزیده شد ، پس از سرکوب انقلاب ۱۹۰۵ ، او از کاستروما به سن پترزبورگ گریخت . جزوه حاضر در برگیرنده فعالیت او در این دوره است .

شورای بیکاران ۷  
پس از ۱۹۰۸، به سبب بازگشت مجدد اختناق تزاری، به  
زندگی مخفی روی آورد و سالها مخفیانه زیست.  
وی یکی از فعالترین شرکت کنندگان در انقلاب اکتبر  
بود و پس از پیروزی انقلاب عهده دار مسئولیت‌هایی سنگین و  
بطور عمده در پست‌های اقتصادی شد.  
محو کامل بیکاری در اتحاد شوروی وی را بر آن داشت  
که خاطرات مبارزات بیکاران در رژیم سرمایه داری کهنه و  
منفور تزاری را به رشته تحریر درآورد.

#### شورای بیکاران سن پترزبورگ در ۱۹۰۶ بیکاری توده‌ای ۱۹۰۵-۱۹۰۶ و ایجادشورا

بیست و پنج سال پیش، در آوریل ۱۹۰۶، نخستین شورای  
نمایندگان کارگران سن پترز بزرگ و همچنین قیام مسلحانه  
مسکو توسط دولت تزاری سرکوب گردید. در آن زمان —  
گروهی از کارگران و روشنفکران بلشویک — بنا به تصمیم  
تشکیلات حزب بلشویک، دست به ایجاد یک سازمان انقلابی  
پرولتری جدید زدیم. ما توده‌های اخراجی بیکار را سازمان  
داده و برای این ارتش، یک ستاد کل — شورای بیکاران سن  
پترز بزرگ — را ایجاد کردیم. حزب برای سازماندهی بیکاران  
در دیگر مراکز صنعتی از قبیل مسکو، ادسا و غیره نیز  
تلاش کرد، اما عمر این سازمانها کوتاه بود و آنها در  
پایان سال ۱۹۰۶ سرکوب شدند. لکن در سن پترز بزرگ، تشکیلات  
سکاران بیش از دو سال با بورژوازی و دولت جنگید و تنها  
در ۱۹۰۸ بود که توسط پلیس مخفی و ژاندارمها ازهم پاشده  
شد.

بیست و پنج سال پیش بطور مصنوعی به بیکاری در روسیه  
تزاری دامن زده شد. نا به کارگران انقلابی درسی داده شود.

۸ شورای بیکاران  
در اواخر سال ۱۹۰۵ دست به اخراج کارگران زده و تمام کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی اعم از دولتی و خصوصی را به حالت تعطیل درآوردند. به این ترتیب، دولت و بورژوازی صدها هزار کارگر و خانواده‌هایشان را در سن پترزبورگ، مسکو، اورال، خارکف، ادسا و دیگر شهرها گرفتار جنگال فقر و گرسنگی کردند. اما حکام روسیه به این نیز راضی نشدند. آنان همواره در جستجوی راههای جدیدی برای تنبیه پرولتاریای انقلابی بودند. اخراج کافی نبود. دولت باندهای معروف به صد سیاه‌ها را سازماندهی و تحریک میکرد، تا با تفرنگ و بمب به سازمانهای کارگری و محل سکونت کارگران حمله کنند.

تقریباً در تمام نواحی سن پترزبورگ و دیگر شهرها نبرد جریان داشت. اما فعالیت باندهای صد سیاه تنها سبب شد که کارگران، سازمانهای دفاع از خود را تقویت کرده و افراد باندهای صد سیاه را پراکنده سازند.

اخراج کارگران که از اواخر ۱۹۰۵ در سن پترزبورگ آغاز شده بود، تا آوریل ۱۹۰۶ ادامه یافت. هدایت این جریان را حکمرانان روسیه و رهبران اصلی صنعت، ریابوشینسکی، گوکازوف، نوبل، دنی زوف و دیگران بر عهده داشتند؛ و طبیعتاً این شیوه و سایر شیوه‌هایی که برای بیکار علیه طبقات زحمتکش و دادن درس عبرتی به آنان بکار گرفته میشد، به نحو احسن سازمان یافته بود.

در آغاز، شورای نمایندگان کارگران مسئولیت ده‌ها هزار کارگری را که در نتیجه اخراج به خیابانها ریخته شده بودند، بر عهده گرفت. اما به محض تشکیل شورای بیکاران این شورا (سازماندهی) جنبش بیکاران را بر عهده گرفت. از تمام کارگران اخراجی ثبت نام کرد. ثبت نام مذکور این واقعیت را نشان داد که ۵۴ درصد کارگران اخراج شده را کارگران بسیار ماهر و کارگران فلزکار، ۱۸ درصد آنها را کارگران



ماهر باسبات، بحار، سنگ‌کار و سایر مشاغل و تنها ۲۱ درصد آنها را کارگران معمولی تشکیل می‌دادند. این ارقام نشان می‌دهد که سرمایه‌داران خشم خویش را بنابر آسائشی کرده‌اند که در صفوف مقدم طبقه کارگر می‌حنکده‌اند.

شورای نمایندگان کارگران در ابتدا با مشکل یافتن راهی برای کمک به بیکارانی که گرسنه و فقرزده بودند، روبرو شد. ماههای نخست، یعنی اکتبر، نوامبر و دسامبر ۱۹۰۵، اجباراً تا حد زیادی به مسائل مربوط به بیکاران تخصیص یافت. هر چند مساله از نظر سیاسی اهمیت داشت، لکن گرسنگی نتوانسته بود اراده پرولتری برای مبارزه را در هم شکند، روز بروز بیشتر احسان‌میشد. تقریباً در تمام جلسات روزنامه‌های مرکزی، سئوالاتی درباره چگونگی کمک به بیکاران مطرح می‌شد.

بنا به پیشنهاد گروه بلشویکی شورای نمایندگان کارگران، کمیسیونی از بیکاران تشکیل شد که شعبه‌هایی در سراسر نواحی کارگری سن پترزبورگ ایجاد کند. کمیسیون مذکور قطعنامه شورای نمایندگان کارگران مبنی بر کسریک درصد از دستمزد تمامی کارگران کارخانه‌ها، واحد‌های تولید و دیگر موسسات به نفع بیکاران را به تصویب رساند؛ سپس به جمع‌آوری کمک‌های داوطلبانه در تمام جلسات و گردهمایی‌ها پرداخت. این اقدام و اقدامات مشابه دیگر، حدود دهها هزار روبل در اختیار شورای نمایندگان کارگران و کمیسیون‌های آن قرار داد و این امکان را برای کمیسیون بیکاران فراهم کرد که گام‌هایی حدی برای کمک به بیکاران بردارد؛ چندین سالن غذاخوری در نواحی مختلف سن پترزبورگ باز شد. به کارگران مجرد در سالن غذا داده و به کارگران مناهل شام می‌دادند تا به خانه‌شان ببرند. بعلاوه کمیسیون بیکاران به کارگران و خانواده‌هایشان کمک مالی می‌کرد، روزانه ۳۰ کویک برای افراد بالغ و ۱۰ تا ۱۵ کویک برای

۱۰ شورای بیکاران  
کودکان. گروههای لیبرال نیز به سبب نزدیکی انتخابات  
دومای ایالتی و به منظور بهره برداری سیاسی از کمک  
بیکاران نهارخوری هائی در سن پترزبورگ برای بیکاران  
ایجاد کردند.

شورای نمایندگان بیکاران در مبارزه سیاسی و اقتصادی  
خود توجهش را به دومای شهر \* سن پترزبورگ معطوف کرد.  
شورا، قطعنامه زیر را که میبایست توسط هیات ویژه‌ای از  
شورای نمایندگان کارگران در دومای شهر ارائه شود تصویب  
کرد:

- ۱ - دوما باید جهت تامین مواد غذایی برای توده های  
بیشمار کارگر اقدامات فوری بعمل آورد.
  - ۲ - برای برگزاری جلسات باید ساختمانهای را ( به  
کارگران ) اختصاص دهد.
  - ۳ - باید اعزام ژاندارم، پلیس و غیره را به داخل  
ساختمانها قطع کند.
  - ۴ - باید ریز مخارج مبلغ ۱۵۰۰۰ روبلی  
را که برای کارگران ناحیه نارووسکی دریافت کرده است،  
ارائه دهد.
  - ۵ - باید مبلغی از بودجه را که در اختیار دارد برای  
رفع نیاز کسانی که در راه آزادی پرولتاریا بیکار  
کرده اند و دانشجویانی که به سوی پرولتاریا رفته اند  
بپردازد.
  - ۶ - برای تخلیه تاسیسات آب شهر از وجود سربازان، اقدامات  
فوری بعمل آورده و ساختمانها را در اختیار کارگران  
قرار دهد.
- شانزدهم اکتبر، ساعت ۲ بعد از ظهر، هنگامی که هیات  
نماینده شورای نمایندگان کارگران به دومای شهر

رسد، در مدخل ساحمان ورودی بیلگان دوما سادسته‌های  
بزرگ بلیس مسلح و سربازان روبرو شد. اعضا انجمن  
شهر تلفیقی از بسپهاد بازدید هیات اعزامی شورای  
نمایندگان کارگران مطلع شده و به جلسه نیامده بودند.  
در عوض تعدادی از اعضا کمیته دوما، نمایندگان  
را پذیرفتند؛ به سخنان آنان گوش فرا دادند؛ از آنان  
خواستند که خارج شوند و سپس در غیاب آنان تصمیم به  
رد تمامی درخواستها گرفتند.

جز این انتظاری نعیرفت. شهردار، کارکنان اداری و  
اعضا دومای شهر، همگی سرمایه داران قدرتمند و با  
نمایندگان آنان ( یعنی وکلا، مدیران کارخانه‌ها و  
واحدهای تولیدی، مالکین، قصات و دیگر مقامات بودند.  
درست همانهایی که کارگران را اخراج کرده بودند.

#### گرسنگی در میان بیکاران افزایش می‌یابد

در ژانویه ۱۹۵۶، بیکاری، نیاز و گرسنگی باز هم  
افزایش یافت. کمیسیون نیمه علنی بیکاران با دشواری به  
کارش ادامه میداد، زیرا پولی در اختیار نداشت. تقریبا  
دیگر پولی نمیرسید و کارگران اخراجی آخرین مایملک خود را  
فروخته و بالاخره با گرسنگی روبرو شده بودند.

پس از شکست قیام در مسکو و دیگر شهرها محبور به  
ترک کاستروما شدم. در کاستروما فعالیتهای تروریستی  
باندهای صد سیاه و نیروهای مسلح، شورای نمایندگان کارگران  
را محبور کرده بود که به فعالیتهای علنی خود خاتمه داده  
و زیر زمینی ( مخفی) شود و من - رئیس آن - ناچار به  
اختفا شدم. من، روی سقف لکوموتیو، با یک کت و کلاه  
چرک، با چهره‌ای گرفته، توسط چند تن از رفقای کارگرم

## ۱۲ شورای بیکاران

در راه آهن، از کاستروما خارج شده، تصمیم داشتم به سن پترزبورگ محل استقرار مرکز حزب بلشویک بروم، زیرا بسیار ضروری بود که گزارش دقیق همه کارها (به حزب) داده شود. علاوه، سن پترزبورگ - پایتخت پرولنری - مکان مناسبی برای زندگی مخفی بود. زیرا در آنجا، درکارخانه کار کرده و کارهای حزبی مخفی نیز انجام داده بودم. برای من، مخفی شدن و پیدا کردن جایی برای خواب در آنجا ساده تر از شهرهای دیگر بود.

هنگام ورود به سن پترزبورگ، بلافاصله خود را به ستادهای سازمانی حزب معرفی کردم و پس از ملاقات با رهبران حزب به ناحیه وی بورگ رفتم. در آنجا یکی از رفقای خوبم را ملاقات کردم، سیمون لوکتفیک کارگر بلشویک مخفی. او نیز هفته پیش از ناحیه ای که حوادث انقلابی بزرگی در آن روی داده بود به سن پترزبورگ آمده بود و تا آن زمان موفق شده بود از تمام اخبار با خبر شود. او به من گفت که رهبران حزب تصمیم گرفته اند از جنبش بیکاران که در آن زمان تازه آغاز شده بود، کاملاً پشتیبانی کنند. او مرا دعوت کرد که همان شب به جلسه نمایندگان سازمانهای ناحیه ای بیکاران که در محله لنسی برگزار میشد، بروم. یکی از اعضای کمیته حزب، رفیق کرنسکی قرار بود در این جلسه برای گروه بلشویکهای سن پترزبورگ صحبت کند. ما تا شروع جلسه چند ساعتی وقت داشتیم، بنابراین در طول بلوار سامسونسکی قدم زدیم و تجزیات مربوط به حوادث گذشته را با هم در میان گذاشتیم. میخواستیم به یک آبخو فروشی برویم، اما وضعیت مالی ما و ترس از جاسوسان، ما را از این کار بازداشت. سوار یک واگن نقلیه شهری شدیم و به مرکز به بلوار نووسکی رفسیم. هنگامی که از لی تی نی عبور میکردیم، از طبقه بالای واگن جمعیتی را که در حرکت بود تماشا میکردیم، جمعیتی که کاملاً با گروهی که کمی عدد در

شورای بیکاران ۱۳  
لوسی به آن پیوستیم، متفاوت بود. گرسنه بودیم دلمان  
میخواست برای خوردن غذا به مغازه فلیمیوز برویم، ولی  
پس از بازرسی حسابیمان متقاعد شدم که باید از این  
لذت چشم پوشیم.

در حالی که در طول نوسکی یرسه میزدیم، بورژواهای  
سیر و خوشحال را تماشا میکردیم. بعضی از آنها - از مراتب  
بالا تر - سوار کالسکه های محلل دارای نشان خانوادگی  
بودند که بوسیله یک یا دو اسب عالی کشیده میشد، و بقیه  
از مراتب پائین تر، پیاده در طول نوسکی قدم میزدند و  
سادووا یا و خیابان کاستین و مرکز شهر را پر کرده بودند.  
آنان به درون مغازه ها میرفتند و با دستان پر خار  
میشدند و جوانان سرخوش از این خریده ها والدیشان را  
دنمال خود به سوی خانه هایشان میکشیدند. تمام آن چیزهایی  
که در این مغازه ها، دکها و انبارها توسط پیرولتاریا  
تولید شده بود، کاملاً در دسترس بورژوازی بود. ما در  
خیابان نوسکی از حدس چهارراه گذشتیم، ولی فقط  
توانستیم از معاره سولوویف دیدن کنیم. ما نتوانستیم به  
داخل برویم و حتی یک چهارم نوند سوسس بخریم. زیرا  
فروشدگان سر سولوویف تاجر حاضر به فروش مقادیر کم  
سوسس نبودند و از این گذشته، قیمت سوسس با بودجه ما  
هماهنگ نبود.

برای آنکه دق دلمان را خالی کنیم، ناسزائی گفتیم.  
دستپایان را به هم حلقه کردم و از نوسکی دود گرفته  
دور شدم. از کوچه های باریک گذشتیم و بالاخره در خیابان  
ناسس به یک رستوران ارزان رفتیم و در آنجا با نوعی  
سیرایی به قیمت دو کوپک خود را سیر کردیم.

## چگونه شورای بیکاران ایجاد شد

ساعت ۸ همان شب در یک خانه روستائی در لنسی دور هم جمع شدیم. در آنجا نمایندگانی که قرار بود مساله کمک به بیکاران را بررسی کنند، جمع شده و منتظر نماینده گروه بلشویکی سن پترزبورگ بودند. این رفیق در عین حال رئیس کمیسیون بیکاران بود. ضمن انتظار کشیدن با وضعیت ناحیه آشنا شدیم. اکثر نمایندگان، اعضاء محفل های بلشویکی ما بودند. البته همه آنها، چون فعال ترین کارگران بودند از کارخانه ها بیرون رانده شده و در لیست سیاه بودند. اما قیافه هایشان چنان بود که گوئی این آنها و خانواده - هایشان نبودند که به خیابانها ریخته شده بودند و گرسنگی میکشیدند. مارکسیسم به آنها آموخته بود که برغم همه اتفاقات خود را کنترل کرده و هرگز سر فرود نیاورند.

رئیس کمیسیون وارد شد، به ما خوش آمد گفت و سپس به سوی دانشجویی که آنجا ایستاده و میزبان ما بود رفت. او میخواست بداند در صورت حمله پلیس یا ژاندارم همه چیز در نظر گرفته شده یا نه. دانشجوی ژولیده موی آموزشگاه لنسی برای یک ثانیه از پنجره به درون باغ نگاه کرد. و سپس به وی اطمینان داد که برای شرایط اضطراری همه چیز در نظر گرفته شده است. در باغ و پارک نگهدارانی مستقر شده بودند که به محض نزدیک شدن پلیس ما را در جریان می گذاشتند و ما میتوانستیم فرار کنیم. رئیس کمیسیون بیکاران لبخندی زد و گفت اطمینان داشته باشید که شما را نه ژاندارمها دستگیر خواهند کرد و نه پلیس، زیرا باید در زندان به شما غذا بدهند و سرمایه داران اخراجتان کرده اند، تا اینکه از گرسنگی بمیرید. ما به مساله روز

شورای بیکاران ۱۵  
برداختم. رفیق بلسویک ما گزارش خود را در مورد شرایط  
بیکاران شروع کرد. صندوق بیکاران ته کشیده بود. سهم  
پرداختی از دستمزد در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی داشت  
منوقف میشد. زیرا کارفرمایان مانع جمع‌آوری (پول) شده  
بودند و در بعضی جاها به ماموران دستور داده بودند که  
پول کسر شده را به شورای نمایندگان کارگران ندهند. وضع  
در ناحیه‌ها بسیار بد بود.

سخنران رو به نمایندگان کرد و گفت: " ما معتقدیم  
این راشما خودتان خوب می‌دانید، اما باید بیاد داشته  
باشید که خطر ادامه چنین وضعی وجود دارد. افراد و کلیه  
گروههای کارگران " نامطلوب " را از کارخانه‌ها و کارگاهها  
اخراج میکنند. بیکاران هرچه را داشته‌اند، اعم از پوشاک و  
دیگر اشیاء به درد بخورشان را، در این مدت یا فروخته و  
با به گرو گذاشته‌اند. موعد از گرو خارج کردن این اشیاء  
نزدیک میشود و پولی در بشاط نیست که بتوان آنها را از  
گرو درآورد. همه چیز دارد از دست میرود. صاحبخانه‌ها،  
کارگران و خانواده‌هایشان را بیرحمانه به خیابان‌ها  
میریزند. در تمام نواحی کارگری هزاران نمونه این کارها  
را میتوان دید.

سخنران در حالی که نوشته‌ای را به دماغ قلمی اش  
نزدیک میکرد، خواند: " ما نمیتوانیم باین خانواده‌های  
بیکاران که به خیابانها ریخته میشوند، کمک کنیم. در  
جلسات کارگران، اتحادیه‌ها و دانشجویان، قدری اعانه  
برای بیکاران جمع آوری شده است، اما این مبالغ آنقدر  
ناچیز است که با آن کار اساسی نمیتوانیم بکنیم.  
شورای نمایندگان کارگران و برخی از گروههای لیبرالی  
در تمام نواحی ناهارخوریهای باز کرده‌اند. اینها حدود  
دهها هزار نفر را غذا میدهند. اما همین‌ها هم ممکن است  
تعطیل شوند، زیرا لیبرالها که برای انتخابات **دوم**

۱۶ شورای بیکاران - معالمت ( نلسعانی ) میکنند، بزودی کمک مالی به آنها را قطع خواهند کرد. مجموعاً " در سن بطرز بورد ۲۴ ناهارخوری کارگری وجود دارد که روزانه ۹۲۵۳ وعده غذا به بیکاران میدهد. " ناهارخورسهای ناحیه مکو روزانه ۴۵۰ وعده غذا میدهد. در بارووسکی دو ناهارخوری روزانه ۰۳۸۵ درکوودسکی ۴ ناهارخوری روزانه ۰۱۱۰۰ در واسلوستراسکی ۴ ناهارخوری روزانه ۰۱۲۵۰ در ناحیه سن بطرز بورد ۲ ناهارخوری روزانه ۰۵۵۰ و در وی بورد ۲ ناهارخوری روزانه ۴۵۰ وعده غذا میدهد " .

پس از آنکه سخنران خواندن ارقام را بیابان رساند، تاکید کرد که نمایندگان بلافاصله در هر ناهارخوری کمیسونی از بیکاران تشکیل دهند. که نه تنها به حسابها رسیدگی کند، بلکه ناهارخوری را از نظر مالی نیز هدایت کرده و بطور کلی آنها را اداره نماید. سپس سخنران اظهار داشت که شرایط بیکاران در این لحظه اگرچه سخت است اما ناامید کننده نیست .

رفیق گفت : " گروه بلشویکی که هم اکنون هم بنام آن، سخن میگویم، از جنبش بیکاران پشتیبانی میکند و ما را یاری میکند که خود را بصورت یک تشکیلات قوی سازمان دهیم. بسیار ضروری است که تمام بیکاران را متشکل کرده و ارگان رهبری کننده - شورای بیکاران - را بوجود آوریم. این نورا باید به کمک بیکاران، مبارزه برای بهبود وضعیت بیکاران را آغاز کند و آنها را تنها از راه توزیع غذا و روزی سه کوپک پول، بلکه از طریق وادار کردن دومای شهر به تامین کار همگانی وسیع برای بیکاران، بیکاران گدا نیستند، آنان صدقه نمیخواهند. آنان خواستار نان و کار هستند. این مساله باید به گونه ای برای دومای شهر مطرح شود که پشتیبانی تمامی کارگران کارخانه ها و واحدهای تولیدی را جلب کند.



شهر باید برای همگان کار ایجاد کند، از این نوع کار در شهر به اندازه کافی یافت میشود. و هم اکنون به بیکاران مختلفی که رشوه‌های کلان به اداره کنندگان شهر میدهند، داده میشود. ماهرترین کارگران را در همه زمینه‌های فنی میتوان در میان بیکاران یافت. آنها قادرند هر نوع کاری را انجام دهند. شهر قراردادهایی دارد که برای رفاه عمومی اساسی است، برای نمونه ساختمان مترو. شهر تصمیم گرفته است در شبکه‌ها را با اتوبوس برقی عوض کند و قادر به انجام این کار نخواهد بود، مگر اینکه خیابانها سنگفرش شوند. این امر امکان ایجاد کار همگانی را برای بیکاران فراهم میکند. ما باید به گونه‌ای حرکت کنیم که شهر این کار همگانی را تامین کند. بنابراین پیشنهاد میکنیم که تمام پیشنهاداتی را که (ارائه) داده‌ام - و در جلسه مورد بحث قرار گرفته و به تصویب رسیده - به اجرا درآید. زیرا فقر و گرسنگی انتظار سرش نمیشود."

نمایندگان، ساکت و با توجه به سخنران گوش میدادند. وقتی سخنران او به پایان رسید، دیگران بلند شدند و صحبت کردند. هر یک از حاضرین از پیشنهاداتی که بوسیله تشکیلات بلشویکی ارائه شده بود استقبال کرد و به احمال و روشنی در مورد چگونگی تحقق آنها سخن گفت. همه پیشنهادات سخنران به اتفاق آراء تصویب شد. تصمیم گرفته شد که از طریق انتخابات در ناهارخوریها، جایی که بیکاران غذا میخورند، یک شورای بیکاران ایجاد شود. گروهی از بلشویکها کارگر ماموریت یافتند که برای این کار تبلیغ کنند و انتخابات را به انجام رسانند. قرار بر این شد که شورا از سی نماینده بیکاران تشکیل شود. همچنین تصمیم گرفته شد که اعلامیه‌هایی چاپ شود و در آن بیکاران به شکل فوری، بعنوان تنها راه خلاصی از وضعیت موجود، دعوت شوند.

۱۸ شورای بیکاران  
این فراخوان چاپ شد. گروه بلشویکی کارگران، واقعاً  
امر انتخابات شورای بیکاران را در مدتی کوتاه ممکن  
گردانید و سی نماینده بیکاران برای شورا انتخاب شدند  
پس از چندین روز اولین جلسه نمایندگان سرگزار و رفیق  
کرنسکی به ریاست (شورا) انتخاب شد.

اولین چیزهایی که مورد بحث قرار گرفت، اهداف و  
آرمانهای تشکیلات بیکاران بود. نکات زیر به اتفاق آراء،  
تصویب شد:

۱ - اهداف و وظایف شورای بیکاران عبارتست از هدایت  
بیکاران برای خلاصی از وضعیت غیر قابل تحملی که  
دارند.

۲ - میرم ترین وظیفه شورا واداشتن شهر به ایجاد کار  
همگانی برای تمام بیکاران است.

۳ - شورا موظف است بیکاران را حول این اهداف بر اساس  
خواستهای مشترکشان بسیج نموده و ترتیب اعزام  
نمایندگان را به دومای شهر بدهد و بطور مستمر در  
جستجوی وسایل دیگری برای تاثیر گذاردن روی دومای  
شهر باشد.

پس از پاره ای سئوالات تشکیلاتی و پیشنهادهای در مورد  
گامهای بعدی شورا، اولین جلسه خاتمه یافت.

روز بعد از جلسه شورای نمایندگان، من و رفیق  
کرنسکی نزد لنین رفتیم تا گزارشی از آنچه را که برای  
ایجاد شورای بیکاران انجام داده بودیم به او ارائه  
دهیم. ولادیمیرایلیچ پس از گوش دادن به سخنان ما گفت  
تردید دارد که شورای بیکاران بتواند برنامه هایش را به  
تنهایی تحقق بخشد.

لنین گفت: " تنها از طریق این تشکیلات نمیتوانید  
روی بورژوازی اثر بگذارید، به اندازه کافی نیرو نخواهید  
داشت و کارگران بیکار خود قادر نخواهند بود این کار را

در سطح کل طبقه کارگر گسترش دهند. بنابراین باید بسی  
درنگ شورای بیکاران را گسترش دهید تا نمایندگان شاغلین  
در تمام کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی سن پترزبورگ را  
( نیز ) در بر گیرد، شما باید هم‌اکنون برای این هدف  
در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی شروع به تبلیغ کنید و  
بلافاصله ترتیب انتخابات این نمایندگان را بدهید. شورای  
بیکاران باید دارای، نه تنها ۳۰ نماینده از بیکاران،  
بلکه از ۱۰۰ یا ۱۵۰ نماینده از تمام نواحی، از کارخانه‌ها  
و واحدهای تولیدی باشد. این امر به بیکاران یک‌ارگمان  
رهبری واقعا " بیرونتری خواهد داد، ارگانی که واقعا قادر  
خواهد بود با موفقیت بر دومای شهر و کل بورژوازی فشار  
بیاورد. "

در جلسه بعدی شورا که فراخوان به دوما تنظیم شد،  
نصمم گرفته شد که طبق پیشنهاد لینن، انجمن بیکاران ۳۰  
نماینده از کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی بزرگ را در بر  
گیرد و انتخابات در میان شاغلان در کارخانه‌ها و واحدهای  
تولیدی و کارگاهها برگزار شود. شورای بیکاران بزرگتر شد  
و در نواحی نوسکی، مسکو، ناروسکی و استرووسکی، پترز-  
بورگ، وی بورگ و کالینین نیز شوراهائی احداث شدند. برای  
شورای بیکاران شهر، کمیته اجرایی و مجمع عمومی در نظر  
گرفته شد.

نمایندگانی که در مجمع عمومی توسط بیکاران انتخاب  
شدند، برای هر ۲۵۰ کارگر یک نماینده و نمایندگان نواحی  
دارای کارخانه و واحدهای تولیدی، شوراهای ناحیه‌ای را  
تشکیل میدادند. شوراهای ناحیه‌ای، ناهارخورها را اداره  
میکردند، در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی بول جمع‌آوری  
میکردند، از بیکاران ثبت‌نام میکردند، کمک مادی میکردند  
و غیره. و بطور کلی تمام تبلیغات برای مبارزه جهانبان و  
کار، در ناحیه‌ها بر اساس رهنمودهای مجمع عمومی شهری

۲۵ شورای بیکاران  
شورای بیکاران صورت میگرفت .  
کمیته اجرائی از سه نماینده از هر شورای ناحه‌ای.  
سه نماینده از بیکاران، و سه نماینده از شاغلان تشکیل  
شده بود. کمیته اجرائی وظیفه داشت تا ارگاسهای دوما در  
نمایش باشد. همه مسائلی که قرار بود برای بحث در شورای  
بیکاران مطرح شود، ابتدا بوسیله کمیته اجرائی که قدرت  
اجرای تصمیمات عمومی انجمن را داشت، بررسی میشد.

### بیکاران به دومای شهر سن پترزبورگ حمله می‌کنند

تحت رهبری مستقیم حزب بلشویک، شورای بیکاران سن  
پترزبورگ شروع به تدارک اولین تهاجم علیه دومای شهر سن  
پترزبورگ کرد. بمنظور جلب پشتیبانی کامل توده‌های کارگر  
از بیکاران برای حمله به دومای شهر، لازم بود مقدماتی  
فراهم شود. شورای بیکاران علاوه بر تبلیغ در ناحیه‌ها،  
دسته انتشار تعدادی فراخوان خطاب به شاغلان و نیز  
بیکاران زد.

عریضه‌ای با تندالحن‌ترین کلمات بیرولتری - بلشویکی  
خطاب به دومای شهر سن پترزبورگ تهیه شد. این عریضه  
بوسیله شورای بیکاران مورد بحث قرار گرفت، تصویب شد و  
به تمام کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی سن پترزبورگ و  
حومه ارسال گردید تا مورد بحث کارگران قرار گیرد و امضا  
شود. البته بحث فراخوان کارخانه‌ها، در جلسات عمومی  
کارخانه، صورت میگرفت. اما علاوه بر این در نشریه  
بیرولتری (کارگری) ما بحث در زوزنامه‌ای که تحت کنترل  
منشویکها بود، نیز مورد بحث قرار میگرفت. منشویکها  
(اینرا بعدها اثبات خواهم کرد) با بیشترین انرژی با

شورای بیکاران ۲۱  
شورای بیکاران مخالفت میکردند و کار ما را در زمینه  
سازماندهی بیکاران در هر گام مختل مینمودند. نمایندگان  
شورای ما قرار بود روی قرائت عریضه در جلسه دومای شهر،  
پس از شروع رای گیری اصرار ورزند. عریضه بدیقربود:  
" بر اثر بیکاری، هم اکنون تعداد بیشماری از خانواده های  
کارگران بدون نان مانده اند. کارگران صدقه یا خیرات  
نمیخواهند. ما کار میخواهیم. اربابان از دادن کار به ما  
امتناع میورزند. اما شهر قراردادهائی دارد و می تواند  
برای بیکاران کار فراهم کند. بنظر ما نحوه خرج بیت -  
المال شرم آور است. بول مردم باید صرف نیازهای مردم شود  
و نیاز امروز ما کار است. بنابراین ما خواهان آنیم که  
دومای شهر بیدرنگ برای تمام نیازمندان کار فراهم کند.  
ما صدقه نمیخواهیم، بلکه حقمان را میخواهیم و با صدقه  
راضی نخواهیم شد. کار همگانی که مورد درخواست ماست باید  
بیدرنگ آغاز شود. تمامی بیکاران سن پترزبورگ باید  
احازه داشته باشند این کار را انجام دهند. هر کارگریکار  
باید دستمزد کافی دریافت کند. ما نماینده شده ایم برای  
آنکه روی تحقق خواسته هایمان با فشاری کنیم. توده های که  
ما را فرستاده اند به کمتر از این راضی نخواهند شد.  
اگر شما با خواسته های ما موافقت نکنید ما گزارش امتناع  
شما را به بیکاران خواهیم داد و آنگاه شما با ما سر و  
کار نخواهید داشت، بلکه با آنها که ما را فرستاده اند،  
توده های بیکار، سر و کار خواهید داشت."  
عریضه، پشتیبانی کامل تمامی کارگران کارخانه ها و  
واحدهای تولیدی را جلب کرد. در جلسات عمومی مورد بحث  
قرار گرفت و سپس در کارگاهها امضاء شد. سخنرانی به  
کارخانه ها، (جائی) که پس از قربانی شدن و اخراج (کارگران)  
تنها کارگرانی با آگاهی طبقاتی کمتر باقی مانده بودند،  
اعزام شدند. سخنرانان ما با گروه های بیکاران میرفتند.

۲۲ شورای بیکاران  
کارگران را هنگامی که برای شام کارخانه را ترک میکردند و یا در شب، هنگام تغیر شیفت، متوقف میکردند و جلساتی در مورد مسایل بیکاری و کمکی که باید به بیکاران کرد، در مقابل کارخانه برگزار میکردند. جلسات همواره موفق بودند. قطعنامه‌های کوتاهی در مورد ضرورت کمک به بیکاران تهیه و برای عریضه، امضاء جمع آوری میشد.

اما شورای بیکاران، علاوه بر اعتلاء روحیه توده‌های کارگر که بدون تردید در انحامش موفق بود، محور بود خواست کمک به بیکاران را در گروه‌های خرده بورژوا نیز برانگیزد. شورای بیکاران موفق شد تعدادی از روزنامه‌های لیبرال سن یترز بورد را به اس کار علاقمند کند. رفقای که ارتباطاتی با لیبرال‌های اس روزنامه‌ها داشتند، ماموریت یافتند که با لیبرال‌ترین آنها صحبت کنند و از آنها بخواهند که با نوشتن مقالات و اطلاعیه‌هایی در روزنامه‌هایشان، کمک کنند. روزنامه تاوارش که در آن زمان کوسکوا و پروویوچ در آن کار میکردند، روزنامه روسی که پسر لیبرال سوورین آنرا اداره میکرد، سوورمنوی اسلوو روزنامه کادتها وحی روزنامه برشوکا همگی اطلاعیه‌ها و مقالاتی در مورد جنبش بیکاران نوشتند و در آنها از اتحاد کار همگانی وسیع، پشتیبانی کردند. آنها از بیکاران به خاطر اس نظر شناسایی کردند که خوانندگان خرده بورژوازی آنها فشار زیادی برای انحام اس کار به آنها آوردند. ارس‌صدها هزار بیکار به خرده بورژوازی هشدار می‌دادند. آنها میگفتند که اس توده وسیع مردم گرسنه، امراض مختلفی را میسر خواهند کرد که بدون نرد اسندا مقامات حزب، کارگران دفاتر و غیره را که از طریق کارشان با آنها در تماس هستند، آلوده خواهد کرد.

رئیس کمیسیون دوما گفت: " کمک به تنها از نظر منافع کارگران، بلکه برای خاطر سلامت تمام جامعه ضروری

است: " میدانیم که تیغوس ( حصه ) که از زیر زمین ها و پستوها شروع میشود در میان گروههای بالای اجتماع نیز قربانیان بسیاری میگیرد. از سوی دیگر، دورنمای مرگ ناشی از گرسنگی ممکن است مردم فقیر زده را به کارهای افراطی بکشاند. از این نظر ضروری است که هم اکنون با آنها کمک کرد. کمکی که اگر دیر شود، شاید برایمان گران تمام شود. "

همدردی با جنبش بیکاران هر روز در تمام نواحی، کارخانه ها و واحدهای تولیدی افزایش می یافت. هسته شورای بیکاران در تمام کارخانه ها و واحدهای تولیدی شکل گرفت. شوراهای ناحیه ای تشکیل شد. کمیته های بمنظور بررسی شرایط بیکاران و کمک به آنان در مبارزه شان علیه دومای شهر، بوجود آمد.

### منشویکها علیه سازمانهای بیکاران پیکار میکنند

اما در این مقطع ( زمان ) ما خود را مواجه با دشمنی غیر منتظره، منشویکها با این کار پرولتری یافتیم. منشویکهای کمیته حزبی سن پترز بورگ - در آن زمان بلشویکها و منشویکها متعلق به یک حزب بودند - به محض اینکه دیدند نفوذ قابل ملاحظه ای در میان توده ها کسب کرده ایم و ارگانی که صلاحیت رهبری توده ها را دارد ایجاد کرده ایم، شروع به مخالفت با ما، بویژه با شورای بیکاران کردند. آنها در تمام نواحی علیه ما دست به تبلیغات زدند و تلاش کردند تشکیلات بیکاران را مختل کرده و یا حداقل توسعه آنها متوقف گردانند. اما تلاشهای منشویکها در نواحی کارگری با شکست کامل روبرو شد، زیرا پیش از آن ما در

۲۴ شورای بیکاران  
آنجا تشکیلات قوی ایجاد کرده بودیم و یک کارگر، حتی با  
گرایشات منشویکی نیز از آنان پشتیبانی نمی‌کرد. در تمام  
جلسات کارگری در کارخانه‌ها و در ناحیه‌ها، هر بار که  
سخنرانان منشویک به شورای بیکاران حمله می‌کردند، هو  
میشدند. بعد آنها نیرنگهای منشویکی خود را به ارگان  
رهبری حزب، به کمیته سن پترزبورگ که تصادفاً در آن  
اکثریت ناچیزی داشتند، منتقل کردند. در بحث‌هایی که در  
این مورد در کمیته در گرفت، منشویکها اظهار نظر کردند  
که شورای بیکاران به رهبری بلشویکها، کارگران را به  
اعمال بی‌موقع ترغیب میکند، و اینکه سازمان بیکاران یک  
شیرین کاری بلشویکی است. عریضه ما که پیش از آن در  
تمام نواحی و کارخانه‌ها چرخیده و هزاران امضاء جمع کرده  
بود، در جلسه کمیته سن پترزبورگ مورد بحث قرار گرفت.  
منشویکها درخواست کردند که جملات آخر عریضه: "اگر  
شما با خواستهای ما موافقت نکنید، ما گزارش امتناع شما  
را به بیکاران خواهیم داد و آنگاه شما با ما سر و کار  
نخواهید داشت، بلکه با آنها که ما را فرستاده‌اند،  
توده‌های بیکار، سر و کار خواهید داشت" حذف شود. سپس  
قاطعانه خواستار آن شدند که از رفتن نمایندگان بیکاران  
به دوما شهر ممانعت بعمل آید. آنها با درخواست ایجاد  
کار همگانی نیز مخالفت کردند، زیرا بنظر آنان دوما شهر  
نمی‌توانست به بیکاران کار بدهد. این کار را باید دولت  
انجام می‌داد. منشویکها همچنین با انتخاب نمایندگان از  
کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی برای شورای بیکاران سخت  
مخالفت کردند، زیرا در این امر احیاء شوراهای نمایندگان  
کارگران را میدیدند. در خاتمه، رهبران منشویکها اصرار  
داشتند که کمیته سن پترزبورگ مانع از کار کردن ما  
بلشویکها در میان بیکاران و توسعه و تقویت این تشکیلات  
شود و در صورت پافشاری ما در این زمینه از حزب اخراج



شورای بیکاران ۲۵  
شوم. رهبران بیکاران به کمیته گفتند که چنین تصمیمی  
نه تنها به پرولتاریا کمکی نخواهد کرد؛ بلکه به آن زیان  
خواهد رساند. بهر حال آنان تسلیم چنین تصمیمی نخواهند  
شد. کمیته تصمیم گرفت روز بعد جلسه‌ای برگزار کرده و این  
مساله را در جلسه‌ای وسیع‌تر مطرح کند. جلسه وسیع در روز  
موعود فراخوانده شد، اما این بعد از ۱۲ آوریل بود. بعد  
از اینکه ما تمام خواستهای خود را از دوما‌ی شهر گرفته  
بودیم. این امر منجر به انشعاب در صفوف منشویکها شد و  
مخالفین ما در اقلیت ماندند. هیچ تصمیمی علیه ما نمی-  
توانست اتخاذ شود.

#### اولین تشکلات بیکاران در دوما شهر سن پترزبورگ

پس از اینکه کار وسیع مقدماتی برای کمک به بیکاران  
در میان گروههای خرده بورژوا انجام گرفت، شورای بیکاران  
هیاتی انتخاب کرد که قرار بود در ۲۸ مارس برای ارائه  
عریضه، امضاء شده فوق‌الذکر به دوما‌ی شهر برود.  
هیات نمایندگی که مرکب از ۱۵ عضو بود، روز بیست و  
هشتم مارس به دوما‌ی شهر سن پترزبورگ رفت. اعضاء انجمن  
شهر به این گروه از کارگران با شگفتی می‌نگریستند.  
شهردار نمایندگان را به دفترش دعوت کرد تا از خواست  
آنان مطلع شود، اما نمایندگان از صحبت با او خودداری  
کرده و اظهار داشتند که آنان مأموریت دارند مساله را در  
دوما‌ی شهر مطرح سازند نه با افراد. آنروز جلسه دوما‌ی  
شهر برگزار نشد، زیرا تنها چند تن از اعضاء انجمن شهر  
سر و کله‌شان پیدا شده بود. اعضاء دیگر که فهمیده بودند  
هیات نمایندگی خواهد آمد، عمداً از شرکت در جلسه دوما

۲۶ شورای بیکاران  
اجتناب کرده بودند. هیات نمایندگی رفت، اما به اطلاع  
اعضاء انجمن شهر و شهردار رسانید که مجدداً برای جلسه  
بعدی بازخواهد گشت.

نشست عادی بعدی قرار بود روز ۱۲ آوریل برگزار شود.  
در نتیجه شورای بیکاران هنوز دو هفته وقت داشت تا خود  
را با دقت بیشتری آماده کند. تبلیغ در تمام کارخانه ها  
و واحدهای تولیدی تحدید شد و این سبب شد که کارگران  
شاغل بیش از پیش از بیکاران پشتیبانی کنند و تعداد  
امضاءهای عریضه را افزایش دهند. سخنرانان بلشویک از  
شورای بیکاران، با گروههایی از کارگران به تمام کارخانهها  
و واحدهای تولیدی رفته جلساتی ترتیب میدادند و قطعه  
هایی می گذراندند.

در این مدت نه تنها روزنامه بلشویکی و ولسا به نفع  
جنبش تبلیغ میکرد، بلکه برخی روزنامههای لیبرال نیز  
چنین میکردند. این روزنامهها مقالاتی به نفع تشکیلات  
بیکاران درج کرده و بر روی ضرورت شروع کار همگانی برای  
بیکاران توسط دوماي شهر با فشاری میکردند. مساله بیکاری  
به افکار عمومی شدیداً هشدار داده بود. حتی تمام گروه  
انتخاب کنندگان دوماي ایالتی تصمیم گرفتند از نمایندگان  
بیکاران در دوماي شهر، پشتیبانی کنند.

دز ۱۲ آوریل ۱۹۰۶ هیات نمایندگی ما، مرکب از سی  
نفر - پانزده نفر از بیکاران و ۱۵ نفر از شاغلان - خود را  
به دوماي شهر سن پترزبورگ معرفی کرد. مجموعه شورای

---

\* در آن زمان در روسیه یک سیستم انتخاباتی غیر مستقیم  
عمل میکرد. رای دهندگان به کاندیداهای ارگانهای (مقامات)  
عمومی رای نمیدادند، بلکه به انتخاب کنندگان رای میدادند  
و اینها به انتخاب کنندگان دیگری رای میدادند که بالاخره  
به کاندیدها رای میدادند.

بیکاران در آن زمان از ۶ نفر تشکیل میشد، اما نیمی از آنان به دوما نرفتند، تا اگر نمایندگان اعزامی دستگیر شدند، شورا بتواند بدون وقفه به کار خود ادامه دهد. پلیس در آن زمان از نزدیک مراقب شورا بود و جنس احتیاط‌هایی ضروری بود. در حقیقت، روزی که هیات نمایندگی به دوما شهر رفت، به ناگاه پلیس به محلی که شورا قبلاً جلسه داشت حمله کرد و هر کسی را که آنجا بود دستگیر کرد. اما در میان دستگیر شدگان هیچ نماینده ویا عضوی از شورای بیکاران نبود.

پیش از پذیرفتن هیات نمایندگی، دوما شهر طی جلسه‌ای خصوصی تصمیم گرفت، هیات نمایندگی را بپذیرد و تا حد امکان با خواسته‌هایش موافقت کند تا کارگران را بر سر خشم نیاورد. مردم و بیکاران از این تصمیم اطلاعی نداشتند.

در آغاز جلسه، درست لحظه‌ای که ما رسیدیم، گروه کثیری از مردم وارد سالن‌های دوما شدند. پنج نماینده از طرف شورای بیکاران حرف خود را تمام وکمال زدند.

یکی از سخنرانان گفت: " ما از شما استدعا نمی‌کنیم، ما میخواهیم". " ما فکر میکنیم تمام پولی که در اختیار شماست درست به ما تعلق دارد". سخنران دیگری گفت: " اگر شما به بیکاران کار ندهید، هیچ راهی برای ما نمی‌ماند، جز اینکه از شما بدزدیم".

یکی از نمایندگان که کارگری جوان بود، فریاد زد: " شما بیکاران را ندیده‌اید، من با آنان زندگی می‌کنم، میتوانم به شما بگویم که آنها چگونه زندگی می‌کنند، میتوانم بشما بگویم که آنها که مرا به اینجا فرستادند چه گفتند، آنها گفتند: " برو به اعضا انجمن شهر و به دوما شهر بگو، و اگر آنها به حرف تو گوش ندادند ما خودمان میرویم و خرخره آنها را میگیریم".

۲۸ شورای بیکاران  
اعضاء انجمن شهر با شکمیاتی حتی به این سخنرانیها  
گوش دادند و زمانی که حرف ما تمام شد، آنها پیشنهاد  
کردند که هیات سالن را ترک کند. اما ما گفتیم مادام که  
پاسخی به خواستهایمان داده نشده، نخواهیم رفت. اعضاء  
انجمن شهر اعلام تنفس کردند. مردم را بیرون کردند و سپس  
جلسه با حضور هیات نمایندگی بیکاران کار خود را از سر  
گرفت.

نخستین کسی که صحبت کرد، اشنیت نیکوف بود. او به  
عنوان رادیکال ترین عضو انجمن شهر دربارهٔ حدود توانایی  
انجمن شهر در مورد کاری که میتواندست به بیکاران داده  
شود، توضیحاتی داد.

اشنیت نیکوف اظهار داشت: " به نظر انجمن شهر  
امکان دارد:

۱ - ۲۰۰-۴۰۰ کارگر را در ژوئن سال جاری روی کانالهای  
در دست ساختمان و برای پر کردن کانال کاترین بکار  
گمارد.

۲ - در اوایل ماه مه سال جاری ۳۰۰-۴۰۰ نفر را برای  
کارهای مکانیکی و ۲۵۰۰-۲۰۰۰ نفر را برای کارهای  
ساده، در بندر هارلرنا مشغول کرد.

۳ - در آینده نزدیک ۱۰۰ نفر را برای تنظیم رودخانه  
کارنوکی مشغول کرد.

۴ - به ۳۰۰ نفر برای ساختمان محل کاربایی، بازار لاتزمن  
و یک مسافرخانه کار داد.

۵ - ۴۰۰ نفر را به کارهای موقتی گمارد.

۶ - برای بعضی از بیکاران جهت ساختمان پلهای پانته لی  
مونوف چرنی سف و آنی شکین کار تهیه کرد.

به این ترتیب، اعضاء انجمن شهر گفتند که حداکثر  
برای حدود ۵۰۰-۵۰۰۰ کارگر ماهر در زمینه‌های مختلف و

۴۰۰۰ کارگر ساده - کار وجود خواهد داشت ، بدون در نظر گرفتن کارگرانی که برای ساختمان پلها مورد نیاز خواهند بود و یا تعدادی که نمیتوان پیش بینی کرد .

یقیناً " دوما"ی شهر مانند گذشته با جنبش بیکاران و با بیکاران بطور کلی، دشمنی داشت . اما سازمان های بلشویکی و شورای بیکاران موفق شده بودند همدردی تمام گروههای خرده بورژوا و بویژه تمام کارگران سن پترزبورگ را بنفع بیکاران برانگیزانند . بنابراین انجمن شهر محور شد خصومت خویش را در پس این خواست ساختگی کمک به تمام بیکاران از طریق ایجاد کار همگانی، پنهان سازد .

اعضاء انجمن شهر در سخنرانی هایشان گفتند که خواسته های بیکاران بر حق است و صدقه ، زیانبارترین شکل کمک به کسانی است که عادت دارند نان خویش را از راه کار شرافتمندانه درآورند . آنها همچنین گفتند کار همگانی از ارزش بیکاران نخواهد کاست ، بلکه بر عکس روحیه آنان را تقویت خواهد کرد و بنابراین باید ابتدا کار همگانی ایجاد کرد .

هیچ صدائی علیه خواستهای کارگران بلند نشد . پس از مجادله ، دوما با توافق آراء قطعی نامه ای را بشرح زیر به تصویب رساند :

۱ - کمیته مخصوصی با ۱۲ عضو تشکیل شود تا طرحی برای ایجاد کار همگانی ارائه داده و اقداماتی برای جلوگیری از نابسامانی ناشی از بیکاری بعمل آورد . کمیته از نمایندگان کارگران و سازمانهایی که در جلسه قبلی صحبت کردند ، دعوت کند تا در کارش مشارکت نمایند .

۲ - کمیته به تمام پیشنهاداتی که در این جلسه از طرف اعضاء انجمن شهر طرح شد توجه نماید .

۳ - برای ایجاد یک کمیته اجرایی مرکب از رئیس و ۱۳ عضو و بمنظور پیش برد سازمان دهی و انجام کار همگانی

### ۳۰ شورای بیکاران

کسب مجوز کند.

۴ - بیدرنگ ۵۰۰،۰۰۰ روبل برای آغاز کار فوق الذکر، بعنوان مساعده پرداخت شود و تا زمان انتصاب شورای اجرائی، اداره آن با شورا باشد.

اعضاء انجمن شهر و افراد صد سیاه چنان مشتاق ابراز همدردی با بیکاران بودند که یکی از اعضاء انجمن شهر وابسته به صد سیاه‌ها پس از گوش دادن به پیشنهادات حتی اظهار داشت "چرا فقط ۵۰۰،۰۰۰ روبل فکرمی‌کنم زمانی که مردم دارند از گرسنگی می‌میرند باید یک میلیون روبل پرداخت کرد."

پاسخ این بود که ۵۰۰،۰۰۰ روبل تنها برای شروع است و بعد دوما حتی میتواند یک میلیون و نیم و یا در صورت لزوم بیشتر پردازد.

در همان جلسه دوما، کمیسیون بیکاران به ریاست ا. ن. کدرین، عضو انجمن شهر، انتخاب شد. ن. ن. اشنیت نیکوف، ن. پ. فدورت، پترانکوویچ، فال پروک، پلاسون و دیگران همگی از اعضاء انجمن شهر - نیز بعنوان اعضاء کمیسیون انتخاب شدند. هنگامی که جلسه دوما پایان یافت، کدرین ضمن گفتن تبریک برای موفقیت هیات نمایندگی، پیشنهاد کرد که آنها سه نفر را برای شرکت در کمیسیون نامزد کنند؛ اما نمایندگان اظهار داشتند که کارگران زمانی، با شرکت در کمیسیون موافقت خواهند کرد که تعداد نمایندگان شان مساوی تعداد اعضاء انجمن شهر باشد و آنان نیز در کمیسیون حق رای داشته باشند. کدرین از کوره در رفت و با خواست ما شروع به مخالفت کرد و بالاخره گفت که در اینصورت مجبورند بدون نمایندگان کارگران کار کنند. هیات نمایندگی یکپارچه بطرف در رفت. اما کدرین پس از قدری تفکر به دنبال ما دوید، ما را متوقف کرد و گفت:

شورای بیکاران ۳۱ —————  
" آقایان کارگر، کمیسیون تصمیم گرفت پیشنهاد شما را  
بپذیرد، راضی شدید؟ "

هنات پاسخ داد که آنها مساله را حل شده تلقی میکنند  
و در کار تهیه مقدمات کمیسیون شرکت خواهند کرد.

### میز گرد با بورژوازی

روز بعد کمیسیون شهر و نمایندگان بیکاران کار را  
شروع کردند. تصمیم گرفته شد کمکی که به بیکاران داده  
میشود مورد بررسی قرار گیرد تا معلوم شود چند ناهارخوری  
میتوان به ناهارخوریهای موجود افزود. تعداد زیادی از  
بیکارانی که به خیابانها ریخته شده بودند، در مسافر -  
خانه‌ها پناه یافته اما بچه‌هایشان را نزد رفقای فرستاده  
بودند که اشتغال داشتند. به این ترتیب، خانواده‌هایی از  
هم پاشیده شده بود. تصمیم گرفته شد اقداماتی به منظور  
کمک به بیکاران برای پرداخت اجاره خانه بعمل آید. مساله  
کمک به بیکاران برای از گرو در آوردن اموالشان از  
دکانهای سمساری، بویژه چرخ خیاطی و ... نیز مورد بحث  
قرار گرفت و تصمیم به اقدام گرفته شد.

کمیسیون ۱۷۵,۰۰۰ روبل از ۵۰۰,۰۰۰ روبلی را که در  
اختیار داشت، برای احتیاجات فوری کنار گذاشت. این  
پول برای مقاصد فوق در نظر گرفته شد. در ۲۱ آوریل، دوما  
طرح عملیاتی را که کمیسیون در جلسه ۱۹ آوریل خود تنظیم  
کرده بود، بررسی و تصویب کرد. طرح بدین قرار بود:

۱ - به انجمن شهر این حق داده میشود که بیکاران را از  
پرداخت برخی عوارض محلی، طبق تقاضای کمیسیون، معاف  
دارد.

۲ - اجازه ندهد اموال بیکارانی که در گرو نگاههای

۳۲ شورای بیکاران  
دولتی و سماربهای شهرداری است، تا پیش از ۱۱  
ژوئن فروخته شود. همچنین جریمه بهره‌های بس افزاده  
ملعی شود و پرداخت بهره برای سه ماه به تعویق  
افتد.

۳ - با ملاحظه کمیسیون تدارکاتی دوما، به انجمن شهر  
اجازه داده شود که ۱۷۵،۰۰۰ روبل پیش پرداخت شده  
توسط دوما شهر در ۱۲ آوریل را برای موارد زیر  
به مصرف رساند:

- الف. برای تامین غذاخوری بیکاران.
- ب. برای ساختن و اجاره ساختمانهایی که زبان و  
فرزندان بیکاران بی‌خانمان شده بتوانند موفنا  
در آن سکونت کنند.
- ج. برای به تعویق انداختن اخذ بهره از بیکاران  
برای اشیائی که نزد سماربهای خصوصی به گرو  
گذاشته شده است.

کمیسیون و شورای بیکاران بیدرنگ شروع به توزیع این  
پول در میان بیکاران کردند. در عرض دو ماه اول  
۱۷۵،۰۰۰ روبل مذکور صرف هزینه غذا، اجاره و معازنه های  
سماری شد.

مسئولیت سازماندهی خرج کردن پول بعهده کمیسیون  
گذاشته شد. کمیسیون با رضایت شورای بیکاران این وظیفه را  
به اتحادیه مهندسين که ۶ ماه پیش از این کمیته‌ای برای  
کمک به بیکاران ایجاد کرده بودند واگذار کرد. شورای  
بیکاران حق کنترل فعالیت این کمیته و مدیریت عمومی کار  
را حفظ کرد. قرار بر این بود که کمیسیون دوما پولی از  
خزانه شهر دریافت دارد و آنرا به کمیته منتقل کرده، و  
سپس گزارش خرج آنرا به دوما ارائه دهد.

کار دشوار ایجاد ناها رخوری برای بیکاران به کمیسیون  
تغذیه بیکاران واگذار شد. در این دوره، کمیته ۳۳ ناها ر



خوری ناسس کرد و سه میلیون وعده غذا به بیکاران داد .  
نحوه توزیع غذا همین بود : در ژوئن ۲۹۵۰۰۰۰، در ژوئیه  
۶۳۱۰۰۰۰ وعده و غیره . در ژوئن و ژوئیه، روزانه سه  
۲۵-۱۶ هزار نفر غذا داده میشد . شورای بیکاران تصمیم  
گرفت این کار دشوار را بعهده نگیرد، زیرا این امر بخش  
قابل توجهی از نیرویش را که برای دیگر کارهای تسلیعی و  
تشکیلاتی به آن نیاز داشت، می گرفت .

### دومای شهری خرج اعتصابات را میدهد

پولی که برای کمک به بیکاران و جهت پرداخت اجاره  
خانه اختصاص یافته بود، مستقیماً از طرف اعضاء دوما  
: می آمد و طبق فهرستی که توسط شوراهای بیکاران با نظارت  
یک عضو کمیته اجرائی شورای بیکاران، یا نمایندگان از  
شوراهای ناحیه ای تنظیم شده بود، پرداخت میشد . اعضاء  
انجمن شهر و نمایندگان شورا تمام بیکاران ناحیه را که  
قرار بود کمکی دریافت دارند جمع کرده و به آنان در  
مقابل رسید، پول میدادند . بسیاری از بیکاران، بی سواد  
بودند و بعضی ضربه میزدند و بعضی بجای دیگران امضاء  
میکردند .

در ضمن در تمام ناحیه های سن پترز بورگ یک جنبش وسیع  
اعتصابی شروع شده بود . اعتصابات سیاسی بودند، نه اقتصادی .  
کادرهای جدید بیکاران به صفوف ما پیوستند . البته  
شورای بیکاران دستی در تدارک اعتصابات داشت ، زیرا  
اتحادیه های کارگری هنوز بسیار ضعیف بودند و به سختی  
میتوانستند از اعتصابات پشتیبانی کنند . بنابراین، همراه  
با اعتصابات ناحیه وی بورگ ، ما مجبور بودیم به اعتصابیون  
کمک مالی کنیم . برای آنان دو هفته بیکاری به مفهوم

۳۴ شورای بیکاران  
گرسنگی بود، مگر اینکه به آنان کمک میشد. ما به تازگی  
فهرستی از ۵۰۰ نفر در ناحیه وی بورگ که قرار بود برای  
دریافت اجاره‌شان کمک بگیرند، تنظیم کرده بودیم. این  
فهرست شامل اعتصابیون نیازمند کارخانه اریکسون می‌شد.  
اما پیش از اینکه اشنیت نیکوف، عضو انجمن شهر، پول  
را بیاورد، با خبر شدیم که بعضی از اعتصابیون که نامشان  
در لیست بود، به سرکار بازگشته و اعتصاب را شکسته‌اند.  
اینها ۱۰۰ نفر بودند. ما در مخمه افتاده بودیم. اگر  
لیست را به همان صورت می‌گذاشتیم، ۱۰۰ نفر اعتصاب‌شکن  
پول میگرفتند. اگر این اسامی را خط می‌زدیم، عضو انجمن  
شهر، ناحیه را با پولی که آماده توزیع بود، ترک میکرد.  
چه باید میکردیم؟ لیست را دست‌نخورده گذاشتیم، اما بعضی  
اعتصابیون خود را واداشتیم تا این اسامی را به خاطر  
بسیارند، بطوری که وقتی عضو انجمن شهر اسم‌ها را صدا  
می‌زند آنها جواب بدهند و پول را بگیرند. تمام بیکاران  
دو نفر، دو نفر در راهرو صف کشیدند. عضو انجمن شهر  
کارگران را یکی به یکی دفتر فرا میخواند، یکی پس از  
دیگری و در حضور ما به بعضی ۵ روبل، به بعضی ۸ روبل و  
بالاخره به بعضی ۱۰ روبل برحسب تعداد اعضاء خانواده‌هایشان  
و به پیشنهاد ما میداد. همه چیز به آرامی گذشت تا اینکه  
اشنیت نیکوف به اسم پترووا رسید. او را صدا کرد و  
برسد :

" پترووا حق‌در باید دریافت کنی؟ "

و زن جواب داد :

" من پترووا نیستم، من سامویلوا هستم. "

من نگاه تندی به او کردم. داشت ما را توی چه درد  
سری می‌آداخت! او فهمید، گیج شد، و سپس تته پته کنان  
گفت: " بله بله من پترووا هستم. "

اما دیگر در شده بود. اشنیت نیکوف، که یک وکیل

دوماوی بود بیدرنگ فهمید که خسری است. او رو به من کرد و گفت:

" آقای مالی شف، این چه، اینجا چه خبره؟ "

" چیز خاصی نیست، نیکلا نیکلاویچ، اسم بعضی راجای بعضی دیگر گذاشتیم، چون پس از تحقیق دریافتیم آنها کسی که در لیست اول بودند کمتر از اینها محتاحند. "

" نه، جنایتی در حال وقوع است. شما بلشویک های بیکار هستید. خدا میداند که شما دارید چه به روز ما می آورید. "

من زن کارگر را بیرون فرستادم و به تندی گفتم جنایتی رخ نداده و جای دلتنگی نیست.

" اگر نمیخواهید پول را توزیع کنید این ناحیه را ترک کنید. "

او به سرعت پولی را که مانده بود ( هنوز ۶۰ - ۵۰ روبل توزیع نشده مانده بود)، چنگ زد و بدون اجازه از اطاق بیرون دوید، درحالیکه فریاد میزد:

" تمام اینها کار شما بلشویکهاست! شما دوماوی شهر را به ارتکاب جنایت کشانده اید. "

ما فقط خندیدیم. کارگران در حالی که بر زن کارگری که نتوانسته بود نام گیرنده پول را بخاطر بسپارد، فحش میدادند، پراکنده شدند. اما این تنها موردی بود که اعضاء انجمن شهر فهمیدند که ما اسم بعضی را بجای بعضی دیگر گذاشته ایم. در واقع نمونه هایی از این قبیل زیاد بودند و ما اینکار را بطور منظم انجام میدادیم. بدین طریق توانستیم از تمام اعتصابات که در ۱۹۰۶ در سن پترزبورگ شروع شده بود و بعضی اعتصابات ۱۹۰۷ پشتیبانی کنیم. ما اکثر اعتصابات را که بزرگترین آنها، اعتصابات کارگران اسکله، تاکسی رانان، شرکت تلفن اریکسون و غیره بود، با پول دوماوی شهر برگزار کردیم.

۲۶ شورای بیکاران — انجمن شهر تقریبا " ۴/۵ میلیون روبل صرف کمک مستقیم به بیکاران و کار همگانی کرد که بعدا " از آن صحبت خواهم کرد. هزینه کار همگانی به دقت بررسی میشد، پولی که صرف نگهداری ناهارخوری برای بیکاران میشد نیز به دقت بررسی میشد، اما در اقلام کوچک، حسابها صورت خوشی نداشت و این به ما امکان داد که مقداری از پول شهر را برای اعتصابات و مقاصد مشابه بکار ببریم. ما لیستی داشتیم که به استثناء دو یا سه مورد، همگی با ضربدر امضاء شده بود. ما هزار ضربدر روی لیست گذاشتیم؛ همین و بس! درست است، اعضا، انجمن شهر از (کارگر) بیکار خواهد پرسید: "چی، تو هم بیسوادی؟"

و کارگر پاسخ خواهد داد: "بله من بیسوادم. این گناه من نیست. شما به من خواندن و نوشتن یاد ندادید. تنها پنج درصد کارگران سواد خواندن و نوشتن دارند و آنها سر کارند. آنها که بیکارند همگی بیسوادند." اعضا، انجمن شهر با کمی حیرت نگاهی به بالا میاندازند اما بعد پول را می پردازند.

دو سال و نیم بعد، پس از اینکه من از زندان سن پترزبورگ بازگشته بودم، منشی کمیسیون دوما را ملاقات کردم. او از من خواست که به ساختمان دوما بروم. من تحت تعقیب بودم، ولی او به من قول داد که مرا تحویل ندهد. در دفتر کمیسیون، من لیستهای ضریباردارمان را دیدم که روی میزهای بزرگی ولو شده بودند.

عضو انجمن شهر، پرسید: "چطوره که تمام این ضریبارها شبهه‌اند؟ اگر اینها را اشخاصی مختلف نوشته باشند، باید با هم فرق داشته باشند، اینطور نیست؟"

واقعا " از این سؤال جا خوردم و جوابی نداشتم. به او گفتم که کارگران اکثرا "چکش کار آهنگر، کارگر تاسمات و غیره بودند. همه از کسانی که کار سنگین میکنند

شورای بیکاران ۳۷  
و شاید به این دلیل بود که تمام ضربداری‌هایی که زده‌اند،  
شبه یکدیگر شده است. سناتور و عضو کمیسیون چشمپوشی  
را از روی کاغذ برداشت و نگاهی به من کرد. برای یک  
لحظه فکر کرد و سپس گفت:  
" شاید شما درست می‌گوئید، بله طور دیگری نمی‌شود  
آنها توضیح داد. "

برای آنان آرزوی موفقیت کردم و کمیسیون را ترک  
گفتم. دو هفته بعد همین منشی به من اطلاع داد که کمیسیون  
حسابرسی تصمیم گرفته که تنها یک گزارش موقت از این  
حسابها بدهد، زیرا پیدا کردن سر و ته این حسابها غیر  
ممکن بوده است و بعد از گزارش انجمن شهر، حسابها  
بایگانی میشود.

### ایجاد کار همگانی به تعویق می‌افتد

شورای بیکاران نه تنها ناهارخوریها را براه‌انداخت،  
غذا داد، برای اجاره و از گرو در آوردن اموال از مساری  
بول پرداخت کرد، بلکه سراسر ماههای آوریل را صرف فراهم  
آوردن مقدمات کار همگانی کرد و تمام مدت به کمیسیون  
بیکاران، به کدرین عضو انجمن شهر، و دومای شهر نهیب زد  
که ایجاد کار همگانی را تسریع کنند. اما نحوه برخورد  
دومای شهر با بیکاران بتدریج تغییر میکرد. کادتها و  
افراد صد سیاه‌ها که در ۱۲ آوریل آنقدر مشتاق کمک بنظر  
میرسیدند، تا آنجا که توانستند شروع به اخلاص در ایجاد  
کار همگانی کردند. کمک ترسی که با تهاجم ما به انجمن  
شهر برایشان مستولی شده بود، فرو ریخت و حالا میخواستند  
کمک را به ۵۰۰،۰۰۰ روبل که آن زمان به آن رای داده شده  
بود، محدود کنند. کدرین، وکیل دعاوی حبله‌گر از سرمایه-

۲۸ شورای بیکاران  
داران دستور میگرفت که کارگران را وادار به تسلیم کند  
و تصمیم گیری در مورد مساله مهم ایجاد کار همگانی را به  
تعویق اندازد. پلیس و پلیس مخفی شروع به مداخله در کار  
تشکل های بیکاران کردند. در نتیجه، تقریباً " هر هفته  
برخوردهای تندی بین کمیسیون شورای بیکاران رخ می داد .  
بالاخره شورای بیکاران قطعنامه زیر را به نام بیکاران  
سن پترزبورگ به کمیسیون ارائه داد :

" در دو هفته اخیر فعالیت دوما با وعده‌هایی که  
در ۱۲ آوریل داده شده هماهنگی ندارد. تمام تلاش‌های دوما  
صرف ایجاد وقفه و بهانه تراشی بمنظور شانه خالی کردن از  
زیر بار تعهداتی میشود که تقبل کرده است. در ضمن نه  
بیکاری، نه گرسنگی و نه بیصبری بیکاران، هیچیک تقلیل  
نیافته است. بیکاران در اعمال دوما، دام و خیانت  
می بینند. بنابراین نمایندگان کارگران به سادگی ازاعضاء  
انجمن شهر سؤال میکنند که آیا آنها قصد انجام وعده‌های  
خود را دارند یا نه؟ آیا آنها قصد سر دواندن دارند یا  
بالاخره به کار خواهند پرداخت و بخصوص آیا دوما قصد  
ایجاد کار همگانی را دارد یا نه؟ اگر اعضاء دوما به  
تعویق کار ادامه دهند و از انجام وعده‌هایشان سر باز  
زنند، نباید به پشتیبانی نمایندگان کارگران از خیانتشان  
امیدوار باشند. نمایندگان کارگران به خود حق میدهند به  
انجام هر عملی که مناسب تشخیص دهند، اقدام کنند."

این بیانیه خشم اعضاء انجمن شهر را برانگیخت. آنها  
خشمگین شده و ما را نمک‌شناس خواندند. اکثر اعضاء تهدید  
به استعفا از کمیسیون کردند. اما طوفان به زودی فروکش  
کرد و آنها مجدداً دست‌بکار شدند. با این همه، کار  
چندان انجام نشد. پیشنهاد شد که شورای بیکاران در  
اعتراض به این تاخیرها از کمیسیون استعفا دهد. اما از  
این پیشنهاد پشتیبانی نشد. سپس کمیته اجرایی ماموریت

شورای بیکاران ۳۹  
بامسکه به اطلاع دومای شهر برساند که کمیسیون بامسکه  
باند، با مسئله کار همگانی، برخورد میکند. کمیسیون  
اجرائی در سیم ماه مه ۱۹۵۵ قطعنامه زیر را به تصویب  
رساند:

" کمیته اجرائی بمصرانه خواستار آنست که ایجاد  
کار همگانی سد رنگ و با حداکثر توان از سر گرفته شود.  
کمیته اجرای به دوما همدار میدهد که در صورت عدم  
ایجاد کار همگانی، برخورد اجتناب ناپذیر خواهد بود. و  
کمیته اجرائی در قبال آن مسئولیتی نخواهد داشت. "

این قطعنامه به دومای شهر ارسال شد، اما تا نایب  
جدایی نکرد، کدرین هیچ قدمی برای تسریع کار برنداشت.  
بالاخره شورای بیکاران طی یک قطعنامه ویژه با اطلاع کدرین  
و دوما رساند که حضور بیشتر کدرین در کمیسیون، به امر  
ایجاد کار همگانی صدمه میزند و جدا " خواستار آن شد که  
کدرین از ریاست کمیسیون برکنار شود. در آن موقع چندین  
برخورد دیگر با کدرین پیش آمد و او مجبور به استعفاء  
شد.

اولین کمیسیون بیکاران از مهمترین خدمتگزاران  
سرمایه، اشیت نیکوف وکیل دعاوی، پلانسون، کدرین، چند  
مهندس و فالبورک معلم تشکیل شده بود. اینها کسانی بودند  
که خود را موافقین منافع توده نمی انگاشتند، و اگر ما  
که با آنها بر سر یک میز می نشستیم، آموزش انقلابی  
بلشویکی نداشتیم، بلکه آنها را با دهانهای باز تماشا  
کرده و به ( حرفهای ) آنها گوش میدادیم، بی تردید بحای  
بیکار با آنها از همان آغاز خام میشدیم و امر ایجاد  
کار همگانی بی نتیجه میماند. بنا براین هنگامی که  
برجسته ترین وکیل دعاوی سرمایه دار، ایوانویچ کدرین - که  
فقد تعویق انداختن کار همگانی را داشت - دریافت که  
تعمیق غیرممکن است، با موافقت جمعی از کمیسیون بیرون

۴۰ شورای بیکاران  
انداخته شد. ما خط بلشویکی خود را مبنی بر درخواست کار  
همگانی ادامه دادیم. به کمک تکنسین های اتحادیه مهندسین  
که هوادار ما و در ارتباط با دومای شهر بودند، ما  
پروژه های کار تنظیم شده توسط دوما را در بایگانی فنی  
دوما پیدا کردیم.

ما خود پروژه هایی را در بایگانی دومای شهر کشف  
کردیم که روی هم رفته حدود ۵,۶۰۰,۰۰۰ روبل هزینه داشتند.  
۹ پروژه کامل برای پلهای سن پترزبورگ جهت عبور ترن  
برقی پیدا کردیم. این پلهای عبارت بودند از: میخائیلو  
وسکی، سلین، ویدنسکی، کامنو، استرووسکی، پانته له ئی  
فیووسکی، خاریووتیسکی، ریژسکی، آلارکین و ارشوسکی.  
ما پروژه های مربوط به ساختمان سه بازار جدید، سیت نی  
کووسکی، لوتس مانسکی و آرسنال - همچنین پروژه های تکمیل  
شده ساختمان یک کشتارگاه، طرح مخزن آب نوودرونسکی، یک  
پروژه برای بالا آوردن بندر هالرنا، گرم کردن ایستگاه  
مترو ساختن تریلر، موتور اتومبیل، کابل برای ترن هوایی  
( مونوریل ) و غیره را نیز از بایگانی بیرون کشیدیم.  
ما پذیرفتیم که بعضی از این کارها را بیکاران نمیتوانند  
انجام دهند، اما تصمیم گرفتیم از بیشتر آنها استفاده  
کنیم. زیرا، بیکاران قادر به اجرای آنها بودند. در بین  
ما کارگران ماهر بسیار بودند، سازنده دیگ بخار، کارگر  
تاسیسات، نجار، تراشکار و غیره.

کاری که ما در نظر داشتیم، احتیاج به ۶۰۰۰ نفر  
کارگر داشت و علاوه بر این بالا آوردن بندر هالرنا هم به  
کاری نیاز داشت که مدت قابل ملاحظه ای طول می کشید.  
هنگامی که در کمیسیون شروع به تعیین نحوه انجام کار  
کردیم، با مقاومت کمیسیون، بویژه اعضای که دارای گرایش  
حزبی سوسیال رولوسیونر، و ناسیونال - سوسیالیستی بودند،  
مواجه شدیم. این اعضای سوسیالیست انجمن شهر اصرار داشتند



شورای بیکاران ۴۱  
و تمام اعضای کمیسیون هم از آنان پشتیبانی می کردند  
- که کار را به شکل گروهی قبول کنیم و تمام بیکاران را  
طبق تخصصشان در این گروهها سازمان دهیم و پس از اینکه  
مهندسين و تکنسین های مورد نیاز را از اتحادیه های  
مهندسين گرفتیم، این کار را پیمانی انجام دهیم. آنها  
میگفتند که در غیر این صورت دوما رضایت نخواهد داد،  
زیرا یک نفر وارد به امور حقوقی باید مسئولیت کاری را  
که با مبلغی چنین کلان سر و کار دارد، بعهده گیرد.  
اعضاء انجمن شهر میگفتند محال است بدون عقد قرار داد  
بتوان کاری را بسادگی به کسی داد. مختصر آنکه حقوق -  
دانان، اعضاء کمیسیون، مقامات سرمایه دار، اگر چه  
ادعای گرایشات سوسیالیستی داشتند، لکن ( در عمل) نقش  
نمایندگان بورژوازی را بازی میکردند و برای کار شکلی  
را پیشنهاد میکردند که به بهترین نحوی در خدمت این  
منافع قرار گیرد. پلانسون مبتکر اصلی این ابزار گروهی  
بود. او اشکال گوناگون انجام کار را آزمایش کرد، او  
پیشنهاد کرد که برای خاتمه دادن به جر و بحثها و  
تعیین اشکال پذیرش این کار و غیره یک دادگاه، حکمیت  
کند.

برخی از اعضاء شورای بیکاران که تحت تاثیر  
منشویکها و سوسیال - رولوسیونرها بودند با قبول این  
شکل از کار موافق بودند اما شورا بعنوان یک مجموعه و  
کمیته اجرائی تشخیص داد که انجام کار بصورت مقاطعه  
( پیمانکاری ) برای بیکاران بدبختی عظیمی است و شاید  
حتی به شکست کامل طرح ایجاد کار همگانی که پرولتاریای  
سن پترزبورگ قبول آنرا با آن همه زحمت گرفته بود، منجر  
شود.

ابتدا لازم بود که بیکاران بصورت گروهی دارای صلاحیت  
قانونی، سازمان داده شوند و تا آن زمان شاید خود کار

## ۲۲ شورای بیکاران

از دست میرفت. بالاخره ممکن بود کارگران با تقبل تمامی بار مسئولیت نتوانند بلافاصله کار را راه بیندازند و یا بعضی کارها را خراب کنند و به این ترتیب، به کمیسیون بیکاران و اعضاء انجمن شهر بهانه‌ای برای توقف کامل کار همگانی بدهند. بنابراین همه جا به تفصیل در مورد نحوه کار بحث کردیم. آنها در شوراهای محلی و ناحیه‌ای بیکاران، در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی به بحث گذاشتیم. تنها بعد از اینکه مساله را بدقت بررسی کردیم، آنها برای اتخاذ تصمیم به شورای بیکاران آوردیم. شورای بیکاران با این مساله که بیکاران کار همگانی را بر اساس مقاطعه گروهی انجام دهند، کاملاً مخالفت کرد. در عوض در هفتم ماه مه تصمیم گرفت از دومای شهر بخواهد که مسئولیت کامل انجام کار را برعهده گیرد.

پس شورا تعدادی قطعنامه در مورد شرایط ایجاد کار تصویب کرد. پس از بررسی دقیق مساله کار همگانی پیشنهادی دوما و چگونگی استفاده از بیکاران به بهترین وجه، نظر شورا این بود که کار همگانی پیشنهاد شده تنها بخش ناچیزی از کاری است که شهر باید بمنظور بهبود امور بهداشت و رفاه شهر انجام دهد. شورا هرگونه مسئولیتی را در زمینه ( اداره ) مالی و اشکالات فنی کار پیشنهادی و نیز اصل انجام کار بر اساس مقاطعه گروهی را رد کرد و درخواست کرد که دوما بلافاصله با رعایت شرایط زیر دست به ایجاد کار همگانی بزند :

- ۱ - هشت ساعت کار در روز
- ۲ - ممنوعیت اضافه کار
- ۳ - تعیین دستمزد روزانه
- ۴ - رعایت کلیه شرایط لازم بهداشتی و ایمنی در کار
- ۵ - دادن کار به بیکاران ثبت نام شده، زیر نظر شورای بیکاران.

۶ - حق کنترل تمام امور داخلی در کارگاهها بوسیله نمایندگان کارگران.

رد کار به شکل مقاطعه گروهی از طرف شورای بیکاران، دومای شهر را سخت خشمگین ساخت. اعضاء انجمن شهر اصرار داشتند که کار را بطور گروهی قبول کنیم و حتی تهدید میکردند که اگر با انجام این کار بدین نحو موافقت نکنیم، دوما هیچ کاری ایجاد نخواهد کرد.

#### یک تاخیر جدید

تا این زمان دلیل کافی داشتیم که فکر کنیم دوما تصمیم ۱۲ آوریل خود را اجراء نخواهد کرد. تمام افراد صد سیاه ها به سرعت دست به کار سازماندهی علیه شورای بیکاران شدند. مطبوعات لیبرال و همچنین صد سیاه ها انتقاد سخت از ما و برانگیختن احساسات علیه بیکاران را آغاز کردند. همه مطبوعات سرمایه داری از اینکه ما کار بر اساس مقاطعه گروهی را رد کرده بودیم، برای حمله به بلشویکها استفاده کردند. آنها میگفتند که ما بلشویکها از جنبش بیکاران برای اهداف سیاسی خود استفاده می کنیم.

شورای بیکاران از هر فرصتی برای افشاء رفتار گستاخانه مطبوعات سرمایه داری، بویژه کادتها و تلاش آنها برای دفاع از منافع بورژوازی تا سر حد لغو طرح ایجاد کار همگانی که دومای شهر سن پترزبورگ درباره آن تصمیم گرفته بود - استفاده کرد.

اما هنوز تعدادی از روزنامه ها با ما بودند و ما برای ادامه مبارزه، وولنا، روزنامه بلشویکی خود، و

۴۴ شورای بیکاران  
روزنامه دیگری نیز داشتیم. از طریق این روزنامه‌ها و به ویژه وولنا، ما رفتار وحشتناک مطبوعات کادت و لیبرال را افشاء کردیم و تا حدی موفق شدیم تاثیر آن را خنثی کنیم.

به این ترتیب، تمام ماه مه گذشت. در آغاز ژوئن وضعیت کار همگانی تغییری نکرده و مشکل حل نشده باقی مانده بود. برای شورای بیکاران و کمیته اجرایی آن راهی جز این نمانده بود که به کمک تشکیلات حزب بلشویک در کارخانه‌ها دست به تبلیغات شدید بزند و از طریق توده‌ها بر دولت، گروه‌های خرده بورژوا و بویژه دومای شهر فشار وارد کند. نظر به اینکه قدرت سازمان همچنان بیشتر میشد و میتوانست بر روی مقامات سن پترزبورگ فشار مداوم آورد، دوما مجبور شد چند نفر دیگر را به عضویت کمیسیون انجمن شهر انتخاب کند. در ۲۹ مه، دوما این کمیته اجرایی گسترش یافته و مسئول امور سازماندهی و مدیریت کار همگانی را مامور انجام تمام کارهای موجود در شهر کرد.

در آن زمان بولی که دومای شهر برای نگهداری ناهار خوری‌ها و دیگر انواع کمک به بیکاران اختصاص داده بود، در حال اتمام بود. اما دوما اعانه جدیدی نداد. شایع بود که وزارت کشور به دومای شهر دستور داده است به بیکاران امتیازات زیادی ندهد. وضع رو به وخامت می گذاشت.

ما از طریق مطبوعات فشار خود را بر کمیسیون افزایش دادیم. همچنین اقدامات دیگری بعمل آوردیم و دست به کار فعال کردن جنبش شدیم.

بیکاران در موقعیت بسیار بدی بسر میبردند. ما کمیسیون دوما را واداشتیم که گزارشی در مورد وخیم بودن اوضاع، تسلیم دومای شهر کند و برای برپانگداشتن

شورای بیکاران ۲۵  
سازمان خورشید در طول تابستان، درخواست پول کند. براساس  
نخمس برای گروه گردآمده سازمان خورشید برای تغذیه  
روزانه ۱۸۰۰۰۰۰ نفر در طول سه ماه و از قرار هر وعده  
غذا ۱۵ کوپک، ۱۸۰۰۰۰۰ روپل مورد نیاز بود. به علاوه  
ما کمیسیون را واداشتم تا به دوما برود و جهت کمک  
به بیکاران برای پرداخت ۱۸۰۰۰۰۰ روپل اجازه - ۱۲۰۰۰۰  
حانوار برای سه ماه درخواست پول کند. ما روی هم رفته  
برای تابستان درخواست ۳۶۰۰۰۰۰ روپل کردیم. کمیسیون  
بیکاران بر این مناسبت گزارشی را تهیه و تسلیم دوما  
کرد.

اما دوما نه میخواست کاری کند، و نه عجله‌ای برای  
شروع کار داشت. ما در کمیسیون دعوائی براه انداختیم و  
درخواست کردیم که یک جلسه ویژه تشکیل شود. جلسه ویژه  
برگزار شد و ما از طریق آن روی دوما فشار آوردیم تا  
پولی را جهت پرداخت کمک و مخصوصاً "برای ایجاد کار -  
همگانی اختصاص دهد.

سال آخره در اواخر ماه مه اعضا انجمن شهر صراحتاً  
تغییر هرگونه مسئولیتی را در مورد کار رد کردند، و از  
ما خواستند که راهی برای انجام این کار با بر عهده -  
گرفتن مسئولیت آن پیدا کنیم. و در ۲۹ ماه مه، دوما پس  
از استماع گزارش کمیسیون بیکاران و تصمیم اعضا انجمن  
شهر مواردی را به تصویب رساند که در ظاهر قابل قبول  
نظر میرسیدند. این موارد بشرح زیر بود:

- ۱ - تأیید مجدد حق کمیسیون اجرایی در دادن تمام  
کارهایی که تا آن زمان مقاطعه شده بودند و با  
کارهایی که مستلزم اجازه دوما نبودند، به بیکاران.
- ۲ - پیشنهاد به انجمن شهر و کمیسیون اجرایی که تنها  
کارهایی در آینده به مقاطعه داده شوند که کمیسیون  
ایجاد کار همگانی، قادر به انجام آنها نیست.

اما بزودی دریافتیم که این تصمیم تنها برای کارهای تعمیراتی است و ایجاد کار همگانی حتی پس از اینکه این قطعنامه به تصویب رسید، هیچ پیشرفتی نکرد.

روزها و هفته‌ها از پی هم گذشتند. جلسات عمومی هفتگی بیکاران و بویژه جلسات کارگران در کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی برای بحث در مورد اوضاع برگزار میشد و قطعنامه‌هایی در محکوم کردن رفتار ننگین دومای شهر در رابطه با بیکاران به تصویب میرسید.

دوما بخاطر به تعویق انداختن و خنثی کردن تمام تلاشهایی که برای انجام این کار میشد، شدیداً "تحت فشار" بود.

کمیسیون اجرایی چنان گستاخ شد که حتی تصمیم گرفت نمایندگان بیکاران را به جلسه دعوت نکند.

شورای بیکاران در جلسه سی و یکم ماه مه ۱۹۵۶ خود، تصمیم گرفت با این وضع قاطعانه برخورد کند. در جلسه مشترکی از کمیسیون اجرایی، نمایندگان شورای بیکاران اتحادیه مهندسين و دفتر مرکزی اتحادیه‌ها قطعنامه‌ای به تصویب رسید.

این قطعنامه به کمیسیون اجرایی منتقل شد، اما بر اثر پافشاری افراد صد سیاه‌ها نادیده گرفته شد. مجدداً مجمع عمومی شورای بیکاران فراخوانده شد و تصمیم گرفته شد که کمیسیون اجرایی بگوید آیا کار همگانی را ادامه خواهد داد یا نه؛ اما کمیسیون بیکاران این قطعنامه‌ها و تصمیمات پرولتاریا را نادیده گرفت.

بیکاران شکیبایی خود را از دست دادند و خشمشان برانگیخته شد. کم‌کم ناحیه‌ها خواستار آن شدند که شورا گامهای موثرتری برای واداشتن دوما و کمیسیون اجرایی بعمل بردارد. شورای بیکاران سعی کرد گروههای بیکاران را از انجام حرکات تحریک‌آمیز انفرادی بازدارد. در عین

شورای بیکاران ۴۷  
حال برای فشار به دومای شهر، هرآنچه میتوانست انجام داد.  
روحیه حاکم در نواحی طوری بود که شورای بیکاران مجبور  
شد اعلامیه‌ای بین تمام کارگران سن پترزبورگ پخش کند و  
آنها را به آرامش دعوت کند. این اعلامیه روز دهم ژوئن  
۱۹۰۶ منتشر شد. در این اعلامیه شورا گفت:

" شورای بیکاران از توده‌ها پنهان نمیکند که دوما  
صرفاً " دارد طفره میرود، تنها دارد با بیکاران بازی میکند  
و به هیچ روی قصد وفا کردن به وعده‌های خود را ندارد.  
اما شورا تماس خود را با دوما قطع نکرده است، زیرا قطع  
تماس با آن، یعنی بازیچه قرار گرفتن دست‌آنهائی که  
میخواهند کارگران را به انجام اعمال بیموقع تحریک نمایند.  
این درست همان چیز است که دشمنان طبقه کارگر و تشنگان  
خون پرولتاریا منتظرش هستند. در حال حاضر تحریک بیکاران  
به آخرین حد خود رسیده است. وزیر کشور دستورات ویژه‌ای  
به دوما و اعضاء انجمن شهر داده است که امتیازی به  
بیکاران ندهند. اهدافش کاملاً روشن است؛ تحریک بیکاران  
به انجام اعمال بیموقع در زمانی که رفقای شاغل آماده  
کمک به آنان نیستند و البته دوما آماده است آنچه را  
وزارت کشور از او میخواهد انجام دهد. بهر حال، ما اجازه  
نخواهیم داد که دوما باز تحریک کند، ما بخوبی میدانیم  
که منظره " خون کارگران، دشمنان ما را نمیترساند، بلکه  
به آنان شادمانی می‌بخشد. ما این را خیلی خوب میدانیم  
و اعمال غیر معقولی انجام نمیدهیم که به آنها که خون  
ما را میخواهند امکان دهد دستهای خود را به هم بمالند  
و بگویند نیرنگ ما کارگر شد. کارگران این درس را بزودی  
فراموش نخواهند کرد، بسرعت بهبود خواهند یافت، سازمان  
دهی خود را بسرعت تجدید خواهند کرد. ما به محرکین این  
لذات را نخواهیم داد. هیچ عمل حادی تا زمانی که شورای  
بیکاران نگوید انجام نخواهد گرفت. این مقررات را همه "

۴۸ شورای بیکاران  
بیکاران باید رعایت کنند. اما شورای بیکاران در وعامت  
اوضاع، بموقع چنین قدمی هم برخواهد داشت. و آنرا تنها  
در ارتباط نزدیک با توده‌های کارگر انجام خواهد داد.  
زمانی که پیش‌نویس اعلامیه شورای بیکاران خوانده  
شد، جناحهایی از شورا که آنارشیت‌تر و دارای روحیه  
سوسیال رولوسیونر بودند، ناراضی شدند. آنها معتقد بودند  
که اعلامیه باندازه کافی قاطع نیست. انشعاب شد. آنها  
خواستار آن شدند که شورا گامهای قاطع‌تری بردارد، دوما  
را مجبور کند، غیره و غیره، اما پس از رای گیری، گرد و  
خاکی که بوسیله سوسیال - رولوسیونرهای هرج و مرج طلب  
بلند شده بود، فرو نشست.

### بیکاران برای سومین بار به دوما حمله می‌کنند

شورای بیکاران تصمیم گرفت هیاتی به دوما اعزام  
دارد و این تصمیم را کاملاً مخفی نگهدارد. بیکاران در ۲۱  
ژوئن جلسه‌ای تشکیل دادند و یک هیات ۸ نفره انتخاب  
کردند، از هر ناحیه ۵ نماینده از بیکاران و ۵ نماینده  
از شاغلان.

قرار شد هیات نمایندگی بدون همراهی توده‌ها برود و  
جواب روشن و قطعی از دوما در این مورد که آیا بله خواهد  
بود یا نه، بگیرد.

در ساعت ۲ بعد از ظهر ۲۱ ژوئن یک هیات ۷۵ نفره جمع  
شدند و به سمت دوما حرکت کردند. این هیات به دو گروه  
با تعداد تقریباً " مساوی تقسیم شد، هر یک دارای یک رهبر  
برای هدایت و رهنمود دادن به گروه بود.

دیدار از دوما به این ترتیب طرح ریزی شده بود:



شورای بیکاران ۴۹  
قرار بود هر دو گروه بطور همزمان، اما از درهای مختلف  
به داخل تالار دوما بروند و درخواست نمایند که اعضاء  
انجمن شهر به ( سخنان ) نمایندگان هیات گوش دهند. بعد  
هیات ( به نمایندگان ) ماموریت خواهد داد که همان زمان  
و همان جا مذاکرات را انجام دهند. قرار بود اگر اعضاء  
انجمن شهر بطرف درها فرار کردند، هیات از خروج آنها  
جلوگیری کند و با لحن نیمه شوخی بگوید: " نترسید،  
فرار نکنید!"

قرار بود گروه اول از مدخل خزانه داری، از در راست  
وارد شود و گروه دوم به داخل تالار الکساندر راه پیدا کند  
و از در چپ وارد تالار اجتماعات شود. قرار بود هر دو گروه  
بی سر و صدا و همزمان، با نظم کامل، در حالی که رهبران  
پیشاپیش آنها حرکت میکنند وارد سالن شوند. گروه های  
نمایندگی، در حالی که هر دو در خروجی دوما را سد  
کرده اند، باید در جلو تریبون دوما به هم برسند.  
نمایندگان آنان باید برای دوما سخنرانی کند و تمام  
سخنرانیها باید با این سؤال تمام شود: آیا به کارگران  
بیکار کار همگانی وعده شده را خواهید داد یا نه؟

اگرچه گروهی که قرار بود از در سمت چپ، از تالار  
الکساندار وارد شود یک دقیقه دیر کرد، ولی این طرح واقعا  
موفقیت آمیز بود. یک در بدون نگهبان مانده بود و اعضاء  
انجمن شهر خواستند سریع از این فرصت استفاده کنند.  
به محض اینکه آنها متوجه ورود حدود ۴۰ نفر از در سمت  
راست شدند، رئیس دوما ختم جلسه را اعلام کرد و همگی  
بطرف در سمت چپ هجوم بردند. اما در همان لحظه گروه دیگر  
در تالار الکساندر ظاهر شد و وارد تالار اجتماعات دوما  
گردید.

اعضاء انجمن شهر در یک نقطه ازدحام کردند. دیشما،  
رئیس دوما، مدال رسمی خود را پاره کرد و از جایگاه

۵۰ شورای بیکاران خود دور شد. شهردار میخواست دنبالش راه بیفتد. نمایندگان با آنها صحبت کردند و از آنها خواستند که نترسند، آنها گفتند: " ما بعنوان نمایندگان کارگران سن پترزبورگ و با این درخواست نزد شما میآئیم که شما به وعده خود وفا کنید و به ما بگوئید آیا کاری وجود خواهد داشت یا نه؟ فرار نکنید. ما به شما دست نخواهیم زد."

اما اعضاء انجمن شهر گوش نمیدادند. آنها از مقابل هیات نمایندگی گذشته و وارد تالار الکساندر شدند و در حالی که یکدیگر را هل میدادند با فشار بطرف در رفتند. نمایندگان کارگران به دنبال آنها روانه شدند.

هنگامی که اعضاء انجمن شهر دریافتند تنها همین ۷۵ نفر هستند و عده بیشتری آنها را همراهی نمیکند، قدری آرام شدند. حتی بعضی از آنان با اعضاء هیات نمایندگی شروع به صحبت و سؤال کردند. اما نمایندگان حاضر نبودند بصورت فردی با آنها صحبت کنند. سه نماینده از هیات پیشنهاد مذاکره با رئیس دوما را کرد، اما دیشما، کاری با آنها نداشت، بالاخره بعضی از اعضاء انجمن شهر او را متقاعد کردند که به ( سخنان ) هیات گوش بدهد و دیشما پرسید " آقایان از دست من چه کاری ساخته است؟ "

نمایندگان کارگران پاسخ دادند که آنها از طرف بیکاران آمده اند که از دوما سؤال کنند بالاخره چه زمانی کار همگانی وعده شده به بیکاران شروع خواهد شد؟ و مکالمه زیر صورت گرفت:

دیشما: " شما باید به من یک بیانیه کتبی میدادید و من آنرا جلو دوما میگذاشتم."

هیات: " ما به این جهت نزد شما آمده ایم که بیانیه های کتبی قبلا" ارسال شده و کار پیش نرفته است. شما میتوانید منتظر شوید، اما گرسنگی انتظار سرش نمیشود."

دیشما : " ما این همه ، من شما را به طسه نخواهم پذیرفت ، این غیرفانونی است ."

### اتهام مسلح شدن به کارگران

در حالی که گه گوها جریان داشت ، یک نفر که متوجه شده بود دوما به محاصره پلیس ، سرباز و قزاق در آمده ، بطرف وزیر کشور بیورش برد و از او توضیح خواست . به نظر میرسید که فرماندار شهر به اطلاع وزیر رسانده بود که کارگران مسلح به چماق و دیگر سلاحها در دوما پیدایشان شده ، دوما را محاصره کرده و مشغول کتک زدن اعضا انجمن شهر هستند .

این گزارش تلفنی به شهرداری رسیده و کدرین آن را برای حاضرین تکرار کرده است . این امر باعث خنده فراوان شد . ما بلافاصله حدود ۲۵ عماما و چتری را که با خود حمل میکردیم جمع آوری کردیم ، آنها را شمردیم و به اعضا انجمن شهر تحویل دادیم . اما آنها از گرفتن این اشیاء خودداری کردند .

ما با خنده گفتیم : " نه ، ما سلاحهای خود را تسلیم نمیکیم " به مقامات مشغول اطلاع دهید که نمایندگان پرولتاریا در دومای شهر خود را خلع سلاح کرده اند " و رفقای ما چترها و عمامای خود را به عضو کمیسیون دادند . تا آن موقع ، رئیس پلیس ، چند افسر پلیس و یک گروه پلیس در تالار الکساندر ظاهر شده بودند . دوما شبیه یک اردوگاه نظامی شده بود . هیچکس حق نداشت که خارج یا داخل شود . شورای بیکاران برای بررسی اوضاع در گوشه ای اجتماع کرد . و بالاخره تصمیم گرفت که نه آنها را ترک کند و نه وارد هیچگونه مذاکره ای با اعضا انجمن شهر شود . مگر

۵۲ شورای بیکاران  
اینکه پلیس از تالار خارج شود و به حرفهای هیات گشوش  
داده شود.

مجدداً " یکی از افراد هیئت برای پرسیدن علت احضار  
پلیس نزد وزیر و فرماندار رفت. چند تن از اعضاء لیرال  
انجمن شهر شروع به سرزنش دیگران کردند. به کارگران اشاره  
کرده، گفتند:

" ببینید نمایندگان چگونه مراقب رفتار خود هستند.  
نه یک حرف اضافی میزنند و نه یک حرکت اضافی میکنند. و  
در این بین خدا میدانند امروز چه میگذرد، یک دارالمحائین  
واقعی، ما باید از فرماندار بخواهیم بیدرنگ پلیس را  
بیرون کند."

اعضاء انجمن شهر برای مدتی طولانی بین خود نزاع  
داشتند. منکر خبر کردن پلیس بودند، اما ما بهتر  
میدانستیم. نمایندگان ما با لحن نیمه شوخی، اما صریح  
به آنها گفتند: شما همگی دروغ میگوئید شما خودتان  
پلیس را خبر کرده‌اید و حال انکار میکنید."

اعضاء انجمن شهر اصرار داشتند که شهردار و دیشما،  
رئیس انجمن شهر، از فرماندار بخواهند که پلیس و نگهبانان  
را از دوماً شهر خارج کنند. شهردار و دیشما گفتند که  
بلافاصله از پلیس خواهند خواست که دوماً را ترک کنند.  
هیات نمایندگی پاسخ داد که از آنها نخواسته است که اینرا  
بخاطر هیئت بکنند، بلکه بخاطر خودشان است تا بعداً از خود  
شرمنده نباشند.

هیات ما اضافه کرد: " اما ما یک درخواست از شما  
داریم، جلسه خود را ادامه داده و به سخنان ما گوش  
دهید."

شهردار و دیشمای رئیس نزد فرماندار رفتند و از  
دفترش به ما اطلاع دادند که فرماندار شنیده است که جمعی  
از کارگران بزور داخل دوماً شده‌اند و دارند اعضاء انجمن

شهر را گنگ میزنند.

فرماندار گفت: "اگر اعضاء انجمن شهر خود را در حضر نمی بیند و مایل به دستگیری کارگران نیستند، او با مرخص کردن پلیس موافقت خواهد کرد."

طرف پنجم یا ده دقیقه تمام نیروهای مسلح عقب نشینی کردند. پس از آن طی گفتگوی مسالمت آمیزتری دوما با ما به توافق رسید. دوما موافقت کرد که چهاردهم زوئن یک هیئت نمایندگی از شورای بیکاران را بپذیرد، اما یک هیئت کوچک را.

آن روز کمیته اجرایی شورای بیکاران تصمیم گرفت هیئتی چهارده نفره مرکب از دو نماینده از هر ناحیه اعزام دارد و تنها دو تن از آنان در دوما صحبت کنند. هیات ماموریت داشت که ماهرانه مذاکره کند و بهانه ای برای بهم زدن جلسه دوما به صدسیاه ها ندهد.

هنگامی که هیات نمایندگی در روز موعود در دوما حضور یافت، بیانیه ای را که قبلاً با نظر موافق شورای بیکاران تهیه شده بود با خود همراه داشت. در این بیانیه چنین آمده بود:

"بیکاران سن پترزبورگ مایلند بمنظور بزرسی بیشتر امر ایجاد کار همگانی و ارائه گزارش نیازهای خود هیئتی مرکب از دو نفر از هر ناحیه به جلسه دومای شهر اعزام دارند. بیکاران در عین جلب توجه شهردار به این مسئله، اعلام میدارند که برای شهردار مطلقاً ضروری است که هیئت نمایندگی آنان را پذیرفته و در جلسه دومای شهر سخنان آنان را استماع نماید."

دوما پس از شنیدن متن بیانیه تصمیم گرفت به سخنان نمایندگان گوش فرا دهد، اما تنها بعنوان اصطلاح متخصصین\*.

\* شاید منظور اینست که نه بعنوان کسانی که حقوق تصمیم گیری دارند. ( مترجم )

هنگامی که یکی از افراد منتخب (هیئت) برای سخنرانی در برابر دوما، به تریبون نزدیک میشد، دیشما او را متوقف کرد و از او خواست که از همان پائین صحبت کند. به ما برنخورد و موافقت کردیم که حرف خود را از همان پائین بزنیم.

اولین سخنران گفت: "دوما خیلی وعده داده است، اما تا بحال چیزی در عمل ندیده ایم. دوما از بیکاران ثبت نام کرده است، بیکاران تصور کرده اند ثبت نام برای کار است، اما از کار خبری نیست. تنها نتیجه ثبت نام این شده که حالا پلیس و تمام جاسوس ها میدانند تعداد بیکاران شهر چند نفر است. کمیسیون تدارکاتی دوما مدتی طولانی روی پروژه کار همگانی مطالعه کرد. بیکاران تصور کردند کار خواهند داشت، اما تاکنون از کار خبری نبوده است. و در شهر مانند گذشته کار بین مقاطعه کاران دست به دست میشود. پلیس محلی را که در آن تشکیل جلسه میدادیم، تعطیل کرد. ما جلساتمان را در خارج شهر برگزار کردیم، ولی ما را از آنجا هم راندند و دستگیرمان کردند. ما را دارند از خانه هایمان بیرون میکنند، ناهار خوری ها دارند تعطیل میشود. این تنها چیزی است که از دوما دیده ایم. آیا بالاخره کار همگانی ایجاد خواهید کرد یا نه؟ شما ما را فریب داده اید، شما ما را تحمیق کرده اید. کسانی که شما تحمیق شان کرده اید ما را برای اتمام حجت اینجا فرستاده اند آیا کار همگانی را شروع خواهید کرد یا نه؟

سخنران بعدی به نحوی دیگر روی همان مسائل تاکید کرد و همان سؤال را تکرار کرد، "آیا شما کار همگانی را شروع خواهید کرد یا نه؟" سپس سخنران سوم صحبت کرد. او از طرف کمیته اجرایی ما موریت داشت به دوما در مورد عواقب احتمالی امتناع دوما از ایجاد کار همگانی

هشدار دهد. این سخنرانی موجب اعتراض اعضاء انجمن شهر شد.

سخنران یکی از نمایندگان بیکاران گفت: " آقایان اعضاء انجمن شهر، برای دومین بار با شما سخن میگوئیم، از ۱۲ آوریل تاکنون ما در کمیسیون شما کار کرده ایم، کار کرده ایم تا نیازهای بیکاران را برطرف سازیم. ما این نیازها را درک میکنیم، چرا که خود آنرا تجربه کرده ایم. شما احتیاج داشتن را تجربه نکرده اید و نمیدانید چیست. چرا ما برای دومین بار با درخواست کمک برای بیکاران نزد شما میآئیم؟ ما، آگاهترین کارگران انقلابی هستیم. ما علیه آنان که شما در خدمتشان هستید بیکار کرده ایم. ما در راه این مبارزه رنج برده ایم و این مبارزه را تا به آخر ادامه خواهیم داد. ما میدانیم برای پایان دادن به بیکاری چه کار باید کرد. اما توده ها بعنوان یک مجموعه نمیدانند. بیکاری آنان را به دزدی و قتل می کشاند. شما از این میترسید. من نمیخواهم با این حرفها شما را بترسانم. ما پیشاهنگان کارگران هم، از آن می ترسیم. شما برای خودتان، برای ثروتتان میترسید، ما برای قدرتمان میترسیم، زیرا چنین چیزهایی ما را تضعیف میکند، صفوف ما را در هم میریزد. شما به بیکاران قول داده اید، نه به این دلیل که این را حق آنان میدانستید، بلکه بخاطر وحشتی که از آنان داشتید. ما این را بخوبی میدانیم، اما ما آن کمک را پذیرفتیم ما وعده های شما را برای شروع کار همگانی به همکاران کارگر خود ابلاغ کردیم. اما از آنجا که شما کارگران را فریب داده اید، ما نمیخواهیم مانند شما جنایتکار جلوه کنیم. اگر شما اکنون این کار را به بیکاران ندهید، اگر تلاشی برای شروع کار همگانی نکنید، ما به تمام توده بیکاران خواهیم گفت که آنها ما را به دروغ امیدوار کرده بودند. باید به ما بگوئید که آیا

۵۶ شورای بیکاران  
کار همگانی را شروع خواهید کرد یا نه؟"

اطاق پر از سر و صدا و هیجان شد. اعضاء انجمن شهر همگی با هم فریاد زدند. افراد صد سیاه ها غریبند. "اوه، شما برای ترساندن ما آمده اید!"

رئیس رنگ خود را به صدا درمیآورد. او چندین بار سخنران را متوقف کرده بود، اما یکی از نمایندگان مساز از اتمام سخنرانی نماینده قبلی، کاغذی برداشته شروع به خواندن خواستها کرد. رئیس ناگهان حرف او را قطع کرد و اظهار داشت که دوما به خواستها گوش نخواهد داد. سخنران ما گفت میخواهد چند "نکته" را بگوید و شروع کرد به خلاصه گفتن خواستها، بدون اینکه رئیس اعتراضی کند.

- ۱ - ایجاد فوری کار همگانی
- ۲ - شرکت دادن نمایندگان کارگران در کمیسیون اجرایی و کمیسیون اربابان.
- ۳ - گسترش اختیارات کمیسیون اجرایی و تفویض حقوق زیر به آن:

الف. پیدا کردن کار جدید برای بیکاران  
ب. پاسخ به نیازهای فوری بیکاران از طریق کمک به برداشتن اجاره، از گروه در آوردن اشیاء از سماری و غیره.

- ۴ - اختصاص فوری مبلغ مورد تقاضا برای پاسخگویی به نیازهای تمام بیکاران سن پترزبورگ.
- ۵ - برگزاری فوری جلسهای از بیکاران و نیز جلسهای ناحیه‌ای و انجام اقداماتی برای آزادی ۲۰۰ کارگری که بخاطر شرکت در جلسات بیکاران زندانی شده‌اند.

پس از آنکه نکات فوق قرائت شد، دیشما از کارگران خواست تالار را ترک گویند. هنگامی که با این درخواست



شورای بیکاران ۵۷ - موافقت کردیم، اعضا انجمن شهر زیر فشار لیبرالها تصمیم گرفتند به ما اجازه دهند به هنگام اخذ تصمیم (دوما)، علیرغم این حقیقت که دیشما از ما خواسته بود که تالار را ترک کنیم، ما پشت میله‌ها بنشینیم.

اعضا انجمن شهر شروع به بررسی خواست‌های ما کردند. بعضی پیشنهاد رای مخفی دادند، اما آنها میترسیدند از طریق رای گیری تصمیم بگیرند. پس از بحث، دیشما، رئیس دوما این سؤال را مطرح کرد:

"آیا دومای شهر با پذیرفتن پیشنهاد مربوط به کمیسیون تدارکات یعنی ایجاد کار و دادن پول موافق است؟"

هیچیک از اعضا انجمن شهر نتوانست با پیشنهاد بیان شده موافقت نکند. نمایندگان کارگران که دور و بر میله‌ها می‌چرخیدند، از نزدیک شاهد رای گیری بودند. چهارده جفت چمی که از خشم و نفرت برق میزد، به این فرمانروایان شهر دوخته شده بود. بسیاری از اعضا انجمن شهر هراسان به آنها نگاه میکردند. دو نفر از اعضا انجمن شهروابسته به صدسیاه‌ها برخاستند. رفیقی از آنان پرسید:

"آیا شما مخالفید؟"

اما اعضا انجمن شهر در حالی که پرده‌های بلند دوما را نگاه میکردند و کسی را نمی‌دیدند که از آنان پشتیبانی کند، شتابزده گفتند: "نه، نه، ما موافقیم، موافق پیشنهاد کمیسیون برای کمک به بیکاران."

تصمیم گرفته شد در مورد مسئله کمک به بیکاران اقدام شود. قطعنامه زیر به تصویب رسید:

۱ - اختصاص مبلغ ۲۶۰،۰۰۰ روبل در تابستان برای نگهداری ناهار خوریهای بیکاران و کمک به آنان برای پرداخت اجاره.

۲ - تمویق فروش اموال در گرو مانده بیکاران برای مدت

- ۳ - تعهد شهردار به اینکه به وزیر کشور پیشنهاد کند  
مخارج اضافی دادن کار به بیکاران و تامین غذا و  
سایر مایحتاج آنان از خزانه عمومی پرداخت گردد .
- ۴ - تعهد شهردار به شروع مذاکرات لازم برای پرداخت  
مخارج نگاهداری ناهارخوریها برای بیکاران .

به این ترتیب پول گرفته شد و بلافاصله اجازه داده  
شد که اولین کار همگانی، بالا آوردن بندر هالرنا، برای  
جلوگیری از فرو رفتن آن، آغاز شود .

### ایجاد کار

پس از دیدار ما از دوما در چهاردهم ژوئن، ایجاد  
کار همگانی بطور قابل ملاحظه‌ای پیشرفت کرد . دولت به  
دلایل سیاسی متعددی نمیخواست یک تشکیلات بزرگ پرولتری ،  
مانند تشکیلات ما را تحریک کند و لذا به افراد صد سیاه‌های  
دوما دستور داده بود امتیازاتی مانند پول برای غذا ،  
اجاره و سایر احتیاجات بیکاران داده شود . کمیسیون  
اجرائی مامور ایجاد کار همگانی شد . اما این به معنای  
پایان کار نبود . ما مجبور بودیم همچنان روی اعضا دوما  
فشار آوریم و از این طریق بود که به هدف خود نزدیکتر  
شدیم .

سطح بندر هالرنا ، ناحیهای که در معرض سیل بود ،  
باید در بعضی نقاط نیم متر و در نقاط دیگر ، به میزان  
بیشتری بالا می‌آمد . اگر برای این کار از ماشین استفاده  
نمیشد ، حدود هزار کارگر صاحب کار میشدند . ما دقیقاً  
چنین کاری را در نظر داشتیم ، یعنی کار بدی . این کار که

شورای بیکاران ۵۹  
حدود ۱۰۰۰ نفر را مشغول میکرد، اوایل پائیز شروع شد.  
بعد ما برای ساختن قسمتهائی از پل و دیگر ساختمان های  
فلزی روی اسکله کاکرنیسی سمت سن پترز بورگ، کارگاه -  
هایی ایجاد کردیم. ما در این کارگاهها ۱۵۰۰ کارگر را در  
دو شیفت به کار گماردیم. اخراج شدگان بیکار که خود را  
یک مجموعه متحد نشان داده بودند و رهبران جنبش بیکاران  
بودند، در این کارگاهها متمرکز شدند.

در اواخر سال ۱۹۰۶، ما چند کار دیگر از جمله  
سنگ فرش روی پلهای پانته لی مونوسکی، میخائیلوسکی و  
وارشائوسکی را شروع کردیم.

تمام پرولتاریای سن پترز بورگ جریان این کار را از  
طریق شورای بیکاران و همچنین شوراهاى ناحیه‌ای دنبال  
میکردند و تقریباً " هر روز گزارش آن را به بحث میگذاشتند  
و رهنمودها و نکات تازه‌ای را طرح میکردند. در مدت دو  
سالی که کار همگانی ادامه داشت، کارگران سن پترز بورگ  
براستی سازماندهی شدند و طرحهای صنعتی را هدایت کردند.  
برای انجام آن افرادی را تعیین میکردند، مطمئن میشدند  
که بهترین افراد را در اختیار دارند، بر انجام کارها  
نظارت میکردند. خلاصه، زندگی صنعتی خود را می گذراندند  
و سعی میکردند سطح تولید را تا حد لازم بالا ببرند.  
هنگامی که کار همگانی داشت از هم می پاشید - زیرا  
فوق العاده گران از آب درآمد و نتوانست با سایر شرکتها  
رقابت کند - شورای بیکاران مسئله را طرح کرد و از ماکه  
مدیریت کار را برعهده داشتیم، خواست که بینیم چگونه  
میتوان بین هزینه انجام کار و بازده آن تعادلی برقرار  
ساخت. کمیته نمایندگان اسکله کاکرنیسی طبق دستور  
کمیته اجرائی شورای بیکاران، شکلی از کار کنتراتی را  
که مغایرتی با منافع پرولتاریا نداشت، ارائه کرد. این  
امر امکان داد که هزینه ساختمان پل را از هر واحد ۷

۶۰ شورای بیکاران  
روبل و ۸۰ کوپک تقلیل دهیم. با هشت ساعت کار روزانه و سازماندهی کار توسط خود ما، یعنی کمیته نمایندگان که کار را به نام شورای بیکاران هدایت میکرد، این امر یقیناً "موفقیت بزرگی بود."

صرفه جوئی چندین هزار روبل بوسیله پرولتاریای سن پترزبورگ ارزش آموزشی زیادی برای توده های کارگر سن پترزبورگ داشت و اکنون میتوانیم بگوئیم که بسیاری از رهبران فعلی دولت شوروی\* و صنعت شورائی، اولین درس عملی خود را از این کار گرفتند. مسئله تولید، رهبری فنی و غیره، مسائلی که هرگز تحت شرایط دیگری طرح نمیشد، برای اولین بار بصورت مسائل عملی پرولتاریای سن پترزبورگ درآمد.

به علاوه، کار همگانی به ما کمک کرد اتحاد پرولتاریا را در زمانی که ارتجاع، سیاهتر از هر زمان دیگر بود، حفظ کنیم و آموزش انقلابی آن را به پیش ببریم. ما با ایجاد شورای بیکاران اعتصابات موفق را برگزار کردیم که تحلی روحیه توده های پرولتری بود و آگاهی طبقاتی آنان را ارتقاء میداد.

در یک کشور سرمایه داری، در دوران ارتجاع، اخراج و بیکاری، خصومت وحشیانه ای میان شاغلان و بیکاران ایجاد میشود. در این دوران، در طول دو سال موجودیت شورای بیکاران ما سرانجام موفق شدیم همه آثار خصومت را از میان برداریم. تشکیلات بیکاران در طول دو سال موجودیت خود در زمینه مسائل صنعتی و اقتصادی به پرولتاریا آموزش عمیق داد. این تشکیلات که رهبران بسیاری تربیت کرد، نه تنها به آنان سازماندهی تولید، هدایت آن و کسب موفقیت را آموخت، بلکه به آنان چگونگی بیکار - با وجود مشکلات

---

■ به تاریخ نگارش جزوه توجه شود

روزمره - علیه سرمایه داران را ، حتی در پشت میز مذاکره ، نشان داد . به آنان آموخت چگونه خط انقلابی صحیح و مستقل خود را حفظ کنند و به اهداف طمعانی خویش نائل آیند .

در طول نیمه دوم سال ۱۹۵۷ ، ارتجاع باز هم سیاهتر شد . اکثر کارگران حزب ما دستگیر شدند ، و آنان که خود را از حلقه مخالفه اصولیستی بیرون انداختند ، به خارج گریختند . و در اسارت یا آزادی ، شاهد کاهش عظیم فعالیت انقلابی شدند . مورد شورای بیکاران نمونه حوسی از شرایط موجود بود . اکثر ما ، سازماندهان و رهبران شورای بیکاران و کار همگانی شهر نیز دستگیر یا مخفی شدیم . تمام فعالیت های بیکاران سن پترزبورگ رو به ضعف گذاشت . بعضی از بیکاران حزب کارخانه های سن پترزبورگ و شهرهای دیگر شدند .

در نیمه اول سال ۱۹۵۸ ، در زندان مطلع شدم که دولت تزار کار همگانی را تعطیل کرده است . اما هنگام اقدام به بستن کارگاههای عمومی در اسکله کاکرنیسکی ، جان ترسیده اند که پیش از شروع کار زندانها ، یک گروه سک توپخانه برای شرایط اضطراری فراخوانده شده است .

منتشر شده است :

(۱): تاریخچه اول ماه مه